

سیر الزمخشری



- نارسایی ادراکی - حرکتی چیست؟
- فرهنگ، زمینه ساز پیشرفت
- آموزش محوری آری یا خیر
- نقدی بر کتاب در جدال با خود
- روش های صحیح مطالعه

فهرست

- سرمقاله / ۲
- سخن ناب / ۳
- فرهنگ زمینه ساز پیشرفت / ۴
- مصاحبه ای با دکتر حمیدی: آموزش محوری آری یا خیر / ۸
- خانواده و تربیت دینی فرزندان / ۱۲
- نارسایی ادراکی - حرکتی چیست؟ / ۱۶
- روش های صحیح مطالعه: چگونه به بهترین شکل مطالعه کنیم؟ / ۲۰
- نقدی بر کتاب در جدال با خود / ۲۴
- اشتباه بزرگ / ۲۶
- چگونه کودکانمان را با نماز مانوس کنیم؟ / ۲۷
- معرفی کتاب / ۳۲

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی اجتماعی

دانشگاه الزهراء(س)

زیر نظر مرکز فعالیت های

علمی و فرهنگی و فوق برنامه

مدیر مسئول و سردبیر: معصومه محمدآبادی

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر ملوک خادمی

هیئت تحریریه: فرشته نیک سیرت، الهام سادات

ناجی، ندا صبوری، زهرا میرزایی، عاطفه بیاری،

ملک سیما تقی زاده

با سپاس از کارشناس نشریات:

سرکار خانم زهرا وزیری

گرافیسیت: معصومه حدادی

لیتوگرافی: طه

چاپ: چاپخانه دانشگاه الزهراء(س)

آدرس اینترنتی مجله:

Rahbord@ Alzahra.ac.ir

نشانی: تهران، میدان ونک، میدان شیخ بهایی،

دانشگاه الزهراء(س).



سرمقاله

© معصومه محمدآبادی

با فرا رسیدن بهار، فصل نوایی در طبیعت آغاز می‌شود، امیدوارم شما عزیزان به تغییرات جدید و مفید در زندگی خود فکر کرده باشید، و به این باور رسیده باشید که اگر بخواهید می‌توانید به هدف‌هایتان برسید.

« آدمی نیست که عاشق نشود فصل بهار

هر گیاهی که به نوروز نجنبد حطب است»

سعدی

پشتکار ارزشمندترین عامل شکل دهنده ی کیفیت زندگی است، و حتی از استعداد نیز مهمتر است. هیچکس تاکنون صرفاً به خاطر داشتن علاقه به هدفی نرسیده است. انسان باید خود را متعهد و پایبند کند و باور داشته باشد که می‌تواند به آنچه می‌خواهد برسد. در درون هر یک از ما منابع نیروی عظیمی به ودیعه نهاده شده است که می‌تواند ما را به کلیه آرزوهای خود و حتی به چیزی بیش از آن برساند. یک تصمیم می‌تواند دریچه‌های بسیاری را به روی ما باز کند. هر فردی خود را ارزیابی می‌کند و این برآورد مشخص خواهد ساخت که او چه خواهد شد. شما نمی‌توانید بیش از آن چیزی بشوید که باور دارید، «هستید»، اما بیش از آنچه باور دارید «می‌توانید» انجام دهید.

همواره به فکر پریدن باش،

چرا که پرنده‌ی نوپا

بر آسمان بلند

سرانجام پرواز می‌کند...

از شما خواننده ی فرزانه و همه ی دوستان گرانقدر خواستارم با پیشنهادهای خود ما را در هر چه بهتر کردن راهبرد یاری دهید، در پایان لازم می‌دانم از دوست عزیزم خانم سارا رجبی مقدم که جایشان در این شماره خالی است، و راهبرد را مدیون زحمات ایشان هستیم، قدردانی و تشکر کنم. امیدوارم در هر کجا که هستند موفق و پیروز باشند.



من خدا را در قلب کسانی دیدم
که بی هیچ توقعی، مهربانند



فرهنگ زمینه‌ساز پیشرفت

الهام سادات ناجی^۱، دانشگاه الزهرا (س)
سارا رجبی مقدم^۲، دانشگاه الزهرا (س)

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهدافی که هر جامعه‌ای به دنبال آن است رسیدن به پیشرفت در تمام زمینه‌هاست. هر ملتی برای رسیدن به هدف توسعه و پیشرفت نیازمند منابع و دارایی‌هایی است. دارایی‌هایی نظیر شرایط جغرافیایی، ثروت‌ها و منابع طبیعی، منابع مالی، و ذخایر بین‌المللی و منابع انسانی درست، و سرمایه‌های دینی و فرهنگی را می‌توان از مهم‌ترین این دارایی‌ها دانست. یکی از مهم‌ترین زمینه‌سازان پیشرفت هر جامعه فرهنگ آن جامعه است و این فرهنگ از راه جامعه‌پذیری در افراد درونی می‌شود. هر چند که خود جامعه‌پذیری از راه منابعی هم چون نخبگان جامعه و رسانه‌های گروهی شکل می‌گیرد و در افراد درونی می‌شود. بنابراین سرمایه‌گذاری بر روی نخبگان و آگاهان یک جامعه و استفاده‌ی مناسب از رسانه‌ها در هر جامعه می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگی در آن جامعه بشود که رسیدن به هدف پیشرفت را در آن جامعه میسر سازد.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت، فرهنگ، جامعه‌پذیری، نخبگان، رسانه‌ها

۱. مقدمه

رفاه و خوشبختی یک بعدی نیست، بلکه مجموعه‌ای از دارایی‌های هر ملتی زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت پایدار آن است. دارایی‌هایی نظیر شرایط جغرافیایی، ثروت‌ها و منابع طبیعی، منابع مالی، و ذخایر بین‌المللی و دارایی‌های ایجاد شده توسط انسان‌ها (ساختمان‌ها، پل‌ها، جاده‌ها و ...)، قوانین و مقررات مناسب، منابع علمی (دانشمندان و آثار آنها)، منابع انسانی درست، و سرمایه‌های دینی و فرهنگی را می‌توان از مهم‌ترین این دارایی‌ها دانست.

هوارد گاردنر با تأکید بر اهمیت فرهنگ می‌نویسد: عقاید و اعمال فرهنگی از لحظه‌ی تولد و شاید حتی زودتر بر کودک اثر می‌گذارد. حتی توقعات والدین از کودک متولد نشده و واکنش‌های آنها نسبت به مشخص شدن جنسیت کودک تأثیرگذار هستند. خانواده، معلمان، و دیگر منابع تأثیرگذار در فرهنگ نشانگر آن هستند که چه عواملی در رشد کودک موثرند و چگونه اثرات بلند مدت و کوتاه مدت خود را خواهند گذاشت (هریسون و هانتینگتون، ۱۳۸۳).

در این مقاله تلاش شده است تا به چگونگی فرایند فرهنگ‌پذیری در افراد یک جامعه، که لازمه و زمینه‌ساز رشد و پیشرفت آن جامعه خواهد بود، پرداخته شود. در میان منابع فرهنگ‌پذیری نقش رسانه‌های گروهی و نخبگان و اندیشمندان جامعه به عنوان دو منبع مهم، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و پیشرفت

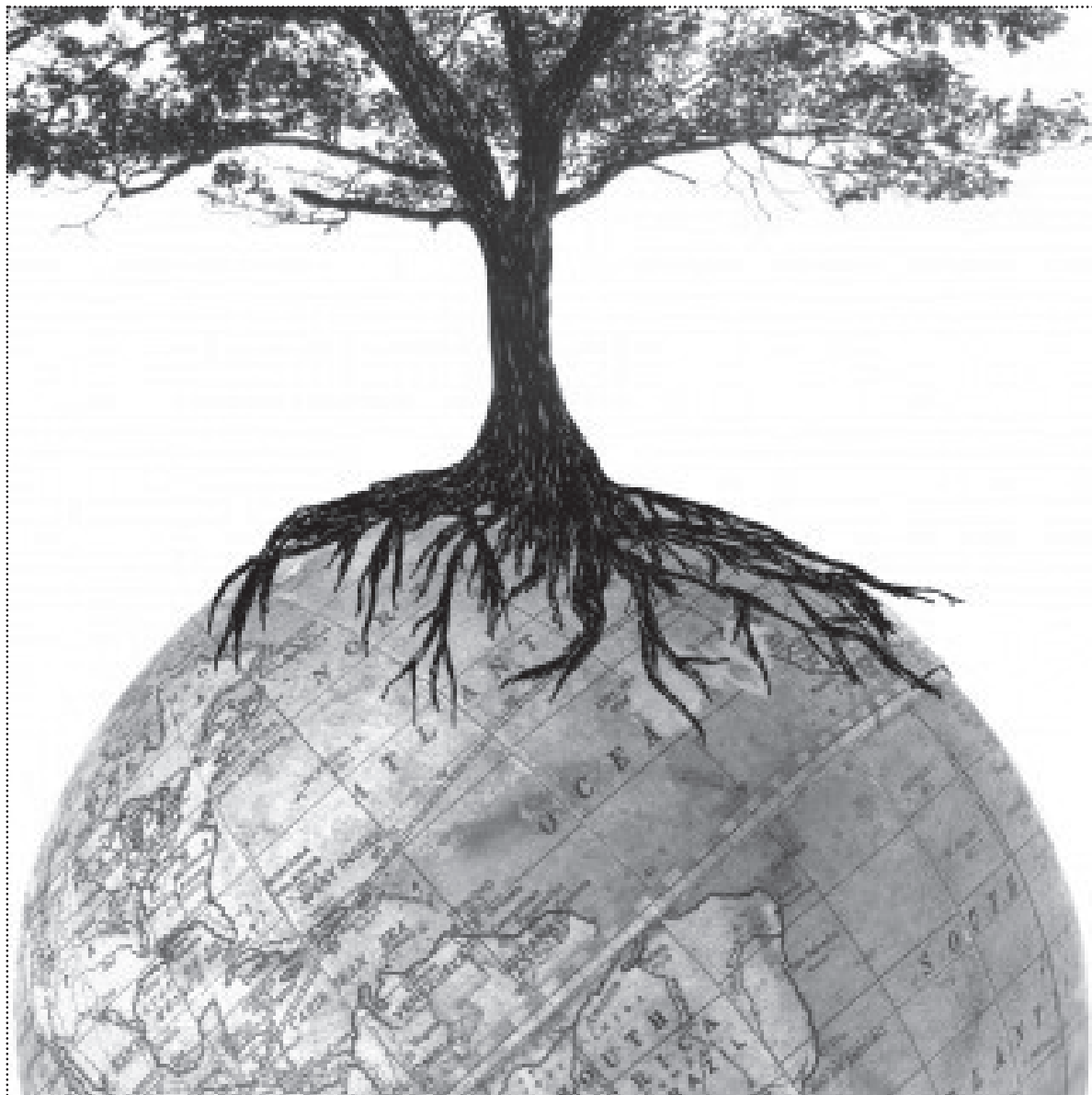
مذهب، اعتقاد، اخلاق، مفهوم ثروت و رفاه، رقابت و همکاری، عدالت، مفهوم کار، خلاقیت و نوآوری، یادگیری و آموزش، ثروت، ادب و احترام، واقعیت‌گرایی، عقلانیت، قدرت، نگرش ملی یا جهانی، نگرش به زندگی، رستگاری، خوش‌بینی، آزادی و دموکراسی، و عدم نگرانی آحاد جامعه، از ارزش‌هایی هستند که می‌توان با هدایت درست آنها را زیر ساخت هر فرهنگی برای رفاه و خوشبختی دانست، هر چند که جامعه‌ی عمل پوشاندن به آن‌ها نیازمند استقامتی بسیار است (هریسون و هانتینگتون، ۱۳۸۳). چنین امری از راه جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد.

جامعه‌پذیری یک فرآیند بسیار مهم در جامعه است که دورکیم درباره آن می‌گوید: اجتماعی شدن فرد یعنی وارد یک اندیشه و مرام دیگری شدن، یعنی تغییر انسانی که فردی شخصی، درونگرا و غیراجتماعی است به یک انسان اجتماعی قابل استفاده برای جامعه. می‌توان گفت جامعه‌پذیری فرآیندی است که توسط آن، فرد تازه متولد شده از طریق درونی کردن و ورود به شبکه‌های نظام تعامل، به فردی اجتماعی تبدیل می‌شود (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳).

جامعه‌پذیری از اهمیت زیادی برخوردار است و جوامع برای جامعه‌پذیر

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهرا (س)

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه الزهرا (س)



هرچند تا حدودی "خود فردی" تضعیف می شود و "خود جمعی و اجتماعی" تقویت می شود و ارجحیت می یابد اما در عوض نظم در جامعه برقرار می شود و امنیت و آرامش فرد و سایر افراد جامعه تأمین می گردد (منادی، ۱۳۸۷).

جامعه پذیری موجب ارتباط فرد با سایر افراد جامعه می شود، بنابراین فرد دچار انزوا نمی شود و می تواند به داد و ستد عاطفی، مالی، فرهنگی و علمی با دیگران بپردازد؛ در حالی که در صورت عدم جامعه پذیری، فرد در یک شبکه

بیشتر خواهد بود. در حالی که با آگاهی و قدرت بیشتر، تعامل جدی تر و واقعی تری برقرار می شود و "جامعه پذیری خود"، مطرح می گردد. مید معتقد است که در جامعه پذیر کردن "خود" ابتدا فرد با نظریه های دیگری (دیگری عمومیت یافته) آشنا می شود. سپس این نظریه ها درونی می شود تا جایی که فرد کم کم خودش جزء گروه شده و به نوعی جزء "دیگری عمومیت یافته" می شود. سرانجام "اجتماعی شدن خود" رخ می دهد. در این فرایند اجتماعی شدن،

کردن افراد نسبت به فرهنگ و ارزش های خود هزینه میکنند. با توجه به این که همواره منابع جامعه پذیری به دنبال آن هستند که افراد را نسبت به آنچه که می خواهند جامعه-پذیر کنند اما همه ی افراد جامعه پذیر شده مانند هم عمل نمی کنند. بورديو در این خصوص به ساختار منابع جامعه پذیری و ذهن فرد جامعه پذیر شونده اشاره می کند. افراد جامعه از آگاهی ها یا سرمایه های متفاوتی برخوردارند. هر چه توان و شناخت فرد کمتر باشد، جامعه پذیری یک طرفه و



یا گروه بسته زندگی می‌کند و شاهد انزوای او خواهیم بود. این فرد نمی‌تواند به رشد واقعی خود دست یابد و جامعه نیز نمی‌تواند از مهارت‌های او سود ببرد. جامعه‌پذیری سه ویژگی مهم دارد:

- ← امری دائمی است.
- ← مختص سن و زمان خاصی نیست.
- ← در خودآگاهی و تشخیص هویت

نقش دارد.

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که می‌تواند در مکانیسم جامعه‌پذیری نقش اساسی ایفا کند، "آموزش" است. جامعه‌پذیری می‌تواند منجر به "فرهنگ‌پذیری" افراد جامعه بشود. بنابراین از یک سو سیستم‌های آموزشی نقش اساسی در جامعه‌پذیری افراد برعهده دارند و از سوی دیگر این جامعه‌پذیری موجبات فرهنگ‌پذیری را فراهم می‌کند. اگر فرهنگی بتواند انسان‌های نظم‌پذیر، سخت‌کوش و مولد برای جامعه تربیت کند آن فرهنگ دست کم عقب افتاده نخواهد بود و این توانایی برای فرهنگی به ارمان نمی‌آید مگر این که آموزش در تمامی سطوح جامعه گسترش یابد، و نظم و اهمیت به زمان، مورد توجه باشد (هریسون و هانتینگتون، ۱۳۸۳؛ منادی، ۱۳۸۷).

در هر جامعه‌ای تلاش می‌شود تا افراد نسبت به مفاهیمی جامعه‌پذیر شوند، برخی از آنها عبارتند از: فرهنگ، دین، سیاست، هنر، ورزش، حقوق، احساسات و عواطف، شغل، محیط زیست. در واقع جامعه برای آن که افراد فرهنگ آن را بپذیرند، برای آن که به آنان امید دهد، برای تعیین هویت افراد و تعیین نقش اجتماعی آنان، و همچنین آموختن مهارت‌ها به آنها سعی می‌کند آنان را جامعه‌پذیر نماید. جامعه برای این کار از سه مکانیسم استفاده می‌کند: تقلید، تلقین و آموزش. این مکانیسم‌ها نحوه‌ی ساختن ارزش‌ها و قوانین جامعه در افراد

آن جامعه هستند. تقلید، ناپایدارترین روش است زیرا ممکن است تا زمانی که منبع تقلید یا الگوی موردپسند و علاقه‌ی ما در کنارمان یا در قید حیات باشد از آن پیروی کرده و با آن همسازی کنیم و با فاصله گرفتن از او، دیگر از او تقلید نکنیم. روش تلقین که قوی‌تر و

**اجتماعی شدن فرد
یعنی وارد یک اندیشه
و مرام دیگری شدن،
یعنی تغییر انسانی که
فردی شخصی، درونگرا
و غیراجتماعی است
به یک انسان اجتماعی
قابل استفاده برای
جامعه**

پایدارتر از تقلید است تنها تا زمانی دوام دارد که محرک تلقین وجود داشته باشد. در صورتی که تلقین به روش آموزش ختم شود، جامعه‌پذیری موفق می‌تواند رخ دهد. آموزش، یاد دادن، معرفی کردن و تکرار یک مسأله است که یقیناً در ازای یادگیری آن، خوشایندی و سودی نصیب یادگیرنده می‌شود. این روش که به زمان و هزینه بیشتری نسبت به سایر روش‌ها نیاز دارد، پایدارترین و مستحکم‌ترین روش است (منادی، ۱۳۷۸).

نکته‌ی مهم این است که زمانی که از مکانیسم‌های جامعه‌پذیری استفاده می‌کنیم، فرد به یک باره و ناگهانی نسبت به موضوع مورد نظر جامعه‌پذیر نمی‌شود بلکه این فرآیند طی مراحل صورت می‌گیرد. وقتی انسان در یک موقعیت قرار می‌گیرد (با توجه به این که هر موقعیت دارای فرهنگ و ارزش خاصی است و واقعیت‌های مخصوص به خود را دارد) بعد از ارتباطات مستمر

با این محیط، یا مجبور به ترک آن محیط و موقعیت است یا اگر بماند و دوام بیاورد یعنی آن موقعیت را قبول کرده است. پس از برخورد مستمر با موقعیت، با تعریف یکسان موقعیت با دیگر شرکت‌کنندگان، در واقع انسان به واقعیت مطرح شده پاسخ مثبت می‌دهد و آن را می‌پذیرد (همان).

برای آن که جامعه‌پذیری موفقیت‌آمیزی صورت گیرد باید "زمان" و "رابطه‌ی آموزشی" مناسب باشد. شرایط لازم برای رابطه آموزشی مناسب عبارتند از: تسلط منبع جامعه‌پذیرکننده به محتوای آموزشی، عدم تحمیل محتوا، الگو بودن منبع جامعه‌پذیری، اعتماد متقابل بین شرکت‌کنندگان و توجه کامل به امکانات فرد. مالوسکا و تاپ معتقدند که جامعه‌پذیری موفق به تطابق کودک با بزرگسال ختم نمی‌شود بلکه جامعه‌پذیری موفق نتیجه پویای یک تطابق دو جانبه بین کودک و بزرگسال است که به شکل یک قرارداد مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد و عملی می‌شود.

همواره جوامع سعی می‌کنند که افراد را نسبت به موضوعات گوناگون جامعه‌پذیر کنند، چرا که عدم موفقیت در جامعه‌پذیری پیامدهایی را به دنبال دارد. از جمله‌ی این پیامدها منزوی شدن فرد و عدم امکان استفاده‌ی جامعه از استعدادهای اوست؛ ولی مهم‌ترین بدترین پیامد آن چیز دیگری است، یعنی شرایط مناسبی برای شیوع فساد و انحرافات در جامعه به وجود می‌آید. بنابراین جامعه‌پذیری برای جوامع اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. چرا که چگونگی این جامعه‌پذیری است که می‌تواند موجبات پیشرفت یا عقب‌ماندگی جامعه‌ای را رقم بزند.

در هر جامعه‌ای منابعی وجود دارند که هر یک سعی می‌کنند تا با استفاده از مکانیسم‌های جامعه‌پذیری افراد را





کمتر با روش تقلید آشنا شوند.
۳. نخبگان جامعه در تلاش باشند تا هرچه بیشتر، خود، در عمل نسبت به هنجارها و ارزش های معرفی شده، جامعه پذیر شده باشند (منادی، ۱۳۸۷).

۵. نتیجه گیری:

در نهایت می توان گفت که هر ملتی با درک صحیحی از واقعیت های فرهنگی خود می تواند شیوه های اجتماعی و اقتصادی نادرست خود را تغییر داده و با انتخابی درست، با شایستگی به پیشرفت اجتماعی و فرهنگی نایل آید و با تمرکز بر ارزش های صحیح آن را پایدار کند. زیرا پیشرفت و توسعه به شکل بارانه در اختیار هیچ ملتی قرار نمی گیرد تا آن ملت خود، وادار شود توسعه را پایدار کند. به عبارت دیگر پیشرفت خریدنی نیست، بلکه به دست آوردنی است. هر چند که لازمی رسیدن به چنین پیشرفتی به کارگیری درست منابع موثر و موجود آن جامعه است که در میان آنها می توان به نخبگان و رسانه های گروهی هر جامعه ای اشاره کرد. پس با استفاده درست و هدفمند از چنین نیروهایی در هر جامعه می توان انتظار رشد و پیشرفت در آن جامعه را داشت.

نام نامه:

ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۳). نظریه های جامعه شناسختی. تهران: نشر دانه. بوردیو، (۱۳۸۸). درباره ی تلویزیون و سلطه ی ژورنالیسم. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر آشیان.

لازار، ژودیت (۱۳۸۹). افکار عمومی. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
منادی، مرتضی (۱۳۸۷). درآمدی جامعه شناسختی بر جامعه پذیری. تهران: انتشارات جیحون.

هریسون، لارنس و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۳). اهمیت فرهنگ. ترجمه انجمن توسعه ی مدیریت ایران. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

برای آن که جامعه پذیری موفقی صورت گیرد باید "زمان" و "رابطه ی آموزشی" مناسب باشد

جامعه ای از طریق رسانه (که یکی از پر نفوذترین منابع جامعه پذیری است)، به پیشرفت رسید ابتدا باید چنین الزاماتی (محدودیت زمان و امکانات، و افکار قالبی) را از میان برداشت.

۴. فرهنگ و نخبگان

یکی دیگر از منابع موثر و مهم در جامعه پذیری افراد جامعه، "نخبگان" آن جامعه هستند. نخبگان شامل متفکران، روحانیون و هنرمندان می شوند. بوردیو در این باره معتقد است که نخبگان هر جامعه، خالقین و عاملین سرمایه های فرهنگی آن جامعه هستند. از آنجایی که نهاد آموزش و پرورش تحت تأثیر بخشی از نخبگان جامعه است فقط این دسته از افراد در چگونگی این نهاد، شکل دهی و برنامه ریزی آن نقش دارند. با توجه به این نکته که حاکمان آخرین تصمیم گیرندگان و مجریان این دستگاه عظیم آموزشی در هر جامعه ای هستند، نسبت به بقیه ی افراد این دسته نقش مهمتری دارند. هر حاکمیتی که بتواند بیشترین درصد قشر نخبگان جامعه را قانع کند و در اختیار داشته باشد، سریعتر و بهتر می تواند در راستای افکار خود گام برداشته و مطمئن تر به توسعه و پیشرفت مد نظر خود برسد.

بنابراین برای این که جامعه ای با حفظ فرهنگ بومی خود پیشرفت کند لازم است که افراد جامعه

۱. آگاه شده

۲. با تمامی ارزش ها، هنجارها و آداب و رسوم فرهنگی جامعه، بیشتر با روش آموزش و کمتر با روش تلقین و بسیار

نسبت به موضوعات گوناگون جامعه پذیر کنند. نهاد خانواده، نهاد دین، نهاد آموزش و پرورش، رسانه های جمعی، گروه همسالان و الگوهای جامعه هر یک منابعی هستند که سعی دارند افراد جامعه را نسبت به ارزش ها، قوانین و فرهنگ و آداب و رسوم جامعه، جامعه پذیر نمایند تا در جامعه نظم و آرامش و امنیت برقرار شود.

۳. فرهنگ و رسانه های گروهی

یکی از منابع نام برده شده "رسانه های گروهی" هستند که در کنار روابط فردی، نقش بسیار بالایی در شکل دهی به افکار و فرهنگ مردم جامعه دارند و این به دلیل نفوذ بالای آنهاست. بنابراین رسانه ها به دلیل قدرت توزیع بالا و ارتباط با تمام اقشار جامعه می توانند بر فرهنگ جامعه تأثیر بگذارند و حتی به فرهنگ سازی بیانجامند (بوردیو، ۱۳۸۸؛ لازار، ۱۳۸۹). هر چند که رسانه ها خود تحت تأثیر الزاماتی هستند. یکی از این الزامات، محدودیت زمان است. بوردیو بیان می کند که بین سرعت و اندیشه رابطه ی منفی وجود دارد و رسانه ها ناگزیر از اضطرار و سرعت هستند. بنابراین نیاز به اندیشمندان فوری دارند که غذای فوری فرهنگی در دست داشته باشند. این اندیشمندان برای فراهم کردن مطالب فوری مجبور به پذیرش ایده های موجود و پیش داوری می شوند زیرا زمانی برای اندیشه و فکر ندارند (بوردیو، ۱۳۸۸). لازار این پیش داوری را دربرگیرنده ی مجموعه ای از گرایش ها و افکار قالبی می داند که بدون استدلال پذیرفته شده اند (لازار، ۱۳۸۹). در نهایت چنین الزامی موجب می شود که رسانه ها، فرهنگ و در نهایت افراد جامعه در برابر اطلاعات تازه مقاومت کنند و همان افکار قالبی خود را (چه درست و چه نادرست) گسترش بدهند. بنابراین برای اینکه بتوان در



آموزش محوری

آری یا خیر

تهیه و تنظیم: الهام سادات ناجی،
معصومه محمدآبادی،
زهرا میرزایی
(دانشجویان کارشناسی ارشد
روان شناسی تربیتی)

دوره‌ی پژوهشی را برگزیدند و این فکر همچنان دامن خورد، در حالی که اگر ما تبلیغ کنیم و واقعیت آیین نامه را یادآوری کنیم این اتفاق می‌تواند نیفتد؛ البته باید بدانیم که بیشتر این آگاهی‌بخشی در دست ما نیست، چراکه دانشجو بر اساس دانسته‌هایش انتخاب می‌کند و این دفترچه‌ی انتخاب رشته است که باید آگاهی بخشی کند و تاکید بیشتری بر یکسانی روش‌ها و برابری آنها بکند، این نامتعادل است که دانشجوی پژوهشی می‌تواند آموزشی بشود ولی آموزشی نمی‌تواند پژوهشی بشود، چراکه روح آیین‌نامه این است که باید به دانشجو که در ابتدای ورود نمی‌داند چه کاری قرار است بکند. می‌توان گفت در کاربرد آیین‌نامه خطایی رخ داده‌است، و این برداشت نابرابری بین روش‌ها را ایجاد کرده است.

◆ یک دلیل ناتوانی از جابه‌جایی آموزشی به پژوهشی همان محدودیت‌های موجود (که اشاره کردید) از جمله کمبود استاد راهنما نیست؟

دانشجو باید در انتخاب آزاد باشد و اگر پس از آن محدودیتی پیش آمد می‌توان راهکارهایی اندیشید، چنان‌که

دیگر شمار نه چندان کافی استادانی که بتوانند پایان‌نامه‌ها را راهنمایی کنند، در کنار این دو، می‌توان به پایین بودن کیفیت برخی از پایان‌نامه‌های انجام‌شده هم اشاره کرد، چراکه اگر قرار باشد شمار پایان‌نامه‌هایی که هر استاد راهنمایی آن را بر عهده دارد از ۴-۵ عدد بیشتر هم بشود بی‌گمان به کاهش کیفیت آن پایان‌نامه‌ها می‌انجامد؛ به بیان دیگر باید گفت این روش می‌تواند گامی باشد در راستای بهبود کیفیت آموزشی.

◆ این که انتقال دانشجو از شیوه‌ی آموزش محور به پژوهش محور نشدنی است، نشان از برتری دوره‌ی پژوهشی نسبت به آموزشی ندارد؟

همیشه این‌گونه نیست، گاهی افرادی با رتبه‌ی بالاتر هستند که یا اشتباه انتخاب کردند و یا ناآگاه بودند و یا حتی به خاطر ترجیح دوره‌ی روزانه بر شبانه دوره‌ی پژوهشی را برگزیدند، درحقیقت باید این‌گونه باشد یعنی در هر روش هم پذیرفته‌شدگانی با رتبه‌ی بالا وجود داشته باشد و هم رتبه‌ی پایین، یعنی انتخاب روش نباید ربطی به رتبه‌ی فرد داشته باشد؛ هرچند که در عمل بیشتر افراد فکر کردند انتخاب آنها با رتبه‌شان در ارتباط است و در نتیجه رتبه‌بالاها

با توجه به آغاز پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد به شیوه‌ی آموزش محور و با توجه به اینکه نگرانی بسیاری از داوطلبان این شیوه و دانشجویان آموزش محور، کسب آگاهی بیشتر در مورد این دوره است، لازم دانستیم مصاحبه‌ای با دکتر حمیدی عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س) در رابطه با شیوه‌ی آموزش محوری داشته باشیم. امید داریم خواندن این مصاحبه چشم انداز روشنی به شما دانشجویان عزیز در مورد این شیوه بدهد و شما را در انتخاب آگاهانه و به جا یاری نماید.

◆ شیوه‌ی آموزش محور یعنی چه؟ ویژگی‌های این شیوه چیست؟

باری پی بردن به ویژگی‌های این دوره باید آیین‌نامه‌ی آن را مورد توجه قرار دهیم. آیین‌نامه می‌گوید دانشجو به‌جای نوشتن پایان‌نامه می‌تواند گزینه‌ی دیگری داشته باشد، به این‌گونه که ۴ واحد درس نظری را بگذراند، و همچنین این که این شیوه با پژوهش محور برابر است و کارکرد آنها برای ورود به دوره‌های بالاتر تحصیلی یکسان است.

دلیل به وجود آمدن این شیوه هم، از یک سو شمار بسیار داوطلب برای ورود به دوره‌ی کارشناسی ارشد است و از سوی





درست است که نوع درس مشخص نشده است ولی این که این درس چه کار می کند و چه پیامدی دارد مهم است و مشخص شده است، به گونه ای که دانشجو در طول یک ترم بتواند تا اندازه ای کار پژوهش را بیاموزد. درست مانند درس های انتخابی (واحدهای اختیاری)، که مهم نیست هر فرد چه درسی را برگزیده، بلکه مهم این است که چه رشته ای را خوانده است. در این دو روش هم همین گونه است و مهم این است که سواد دانشجو چه اندازه است، نه این که در کدام روش درس خوانده است.

◆ پذیرش دانشجویان این روش در دوره ی دکتری چگونه است؟

نوشتن پایان نامه به خودی خود تضمینی برای قبولی در دوره ی دکتری نیست، بلکه رقابت بر سر

نکته این است که هر چند آیین نامه ی اصلی هر دو جهت جابه جایی را قبول دارد؛ و این یک طرفه بودن جابه جایی از پژوهش محوری به آموزش محوری، آیین نامه ی داخلی دانشگاه هاست، ولی بیشتر این تصمیم ها بر اساس همان واقعیت موجود یعنی چگونگی انتخاب رتبه های برتر و پیش بینی های برآمده از آن گرفته شده است.

◆ دلیل دیگر نمی تواند این باشد که چشم انداز درستی از واحدهای جایگزین برای پایان نامه وجود ندارد، هر دانشگاه روش خودش را دارد، تا جایی که برخی دانشگاه ها تنها دو درس نظری ارائه می دهند و در پایان امتحان می گیرند و برخی دیگر کار پژوهشی از دانشجو می خواهند؟

در آیین نامه این گونه نیست و بیان شده که از این دو درس دست کم یکی از آنها باید درس تحقیق و پژوهش باشد،

آزاد بودن به این معناست که همان گونه که ممکن است دانشجو از آموزشی به پژوهشی بیاید ممکن است از پژوهشی نیز به آموزشی برود، هر چند که ممکن است این محدودیت همچنان برقرار باشد، به همین سبب است که در پایان نیم سال دوم دانشجو باید درخواست تایید پایان نامه را بدهد و گروه با توجه به شرایط خود، یا با این درخواست موافقت می کند یا نمی کند ولی باز هم آزاد گذاشتن دانشجو ارزشش بیشتر از این است که از پیش حکم کنیم که این کار نشدنی است، از سوی دیگر در حال حاضر هم اگر تمام پژوهشی ها بخواهند آموزشی بشوند باز گروه موافقت نمی کند چرا که نمی خواهد گروه خالی از پایان نامه باشد، در حالی که آزادی در انتخاب می توانست به خودی خود این کمبودهای احتمالی را جبران کند.



نوشتن پایان نامه به خودی خود تضمینی برای قبولی در دوره ی دکتری نیست، بلکه رقابت بر سر سواد پژوهشی است

این دانشجویست که
با چگونگی کار و تلاش
خود و بهره گیری اش از
برنامه مشخص می کند
که تا چه اندازه از یک
برنامه ی سودمند،
می تواند سود ببرد

هست، چرا که آیین نامه درسی را در
این دوره جایگزین می کند که برای آن
کلاس برگزار می شود.

♦ در گروه روانشناسی تربیتی این
جایگزینی به چه صورتی انجام شده
است؟

در گروه ما (روان شناسی تربیتی)
با توجه به آیین نامه دو درس تعریف
شده است که هدف آنها بالا بردن
سواد آموزشی و پژوهشی دانشجو
است، و می توانند بهترین دانسته ها
را برای دانشجو فراهم آورند، این دو
درس "کارآموزی در پژوهش گری" و
"کارآموزی در آموزش گری" هستند،
که با آموزش و پژوهش سروکار دارند
و همانند پایان نامه، برابر ۴ واحد نظری
هستند. همان گونه که پایان نامه کار دارد
و جنبه ی بیرون از دانشگاه هم دارد این
دو درس نیز این گونه اند، از کار خواندن
و نوشتن تا کار آزمایی پژوهشگری در
کنار یک پژوهشگر، و این گونه است که
دانشجویان هم تجربه می آموزند و هم
دانش می آموزند. هر چند اکنون نخستین
دوره ی این تجربه است ولی به نظر
می رسد کارکرد بایسته را داشته است،
گرچه بررسی نهایی آن در پایان دوره

به دوره ی دکتری در آیین نامه اشاره
شده است.

♦ برخی دانشگاه ها در دوره ی آموزشی
خود کار پژوهشی انجام می دهند و تنها
تفاوتشان این است که دفاع از پژوهش
را ندارند؛ نظر شما در این مورد چیست؟

اول این که انجام کار پژوهشی در یک
نیم سال شدنی نیست و به ویژه رسیدن
به مقاله یعنی این که در یک نیم سال
بتوان کار پژوهشی را کامل انجام داد و
برایندیابی کرد، و علاوه بر آن مقاله ای
هم از آن درآورد؛ درحالی که این یک
برداشت غیرواقعی و کار انجام نشدنی
است، و این را کسی می تواند بگوید که
کار پژوهشی انجام داده است. از این روست
که بیشتر پایان نامه ها در طول دو ترم
انجام می شوند و کسانی هم که در طول
یک ترم یعنی در پایان نیم سال چهارم
دفاع می کنند، کار خود را از نیم سال دوم
آغاز کرده اند؛ علاوه بر این، کار پژوهشی
که در یک نیم سال پایان یابد و آن هم
بدون داشتن استاد راهنما چه کیفیتی
می تواند داشته باشد؟

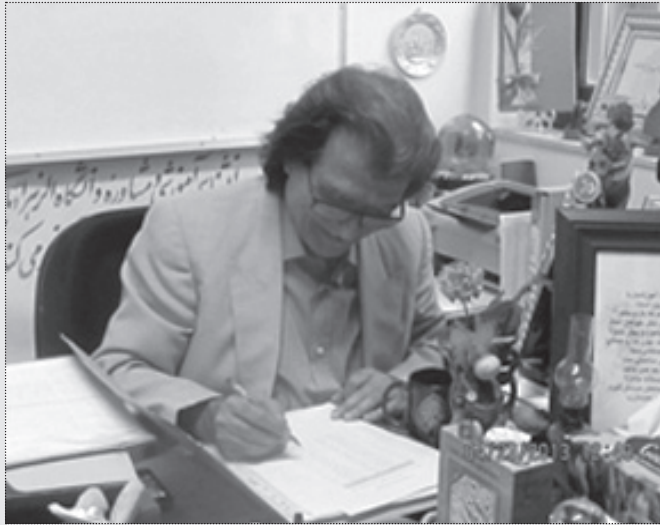
افزون بر آن، اصل این کار (انجام
کار پژوهشی همانند کار پایان نامه)، در
دوره ی آموزشی برخلاف آیین نامه هم

سواد پژوهشی است، چراکه دوره ی
دکتری دوره ای پژوهش محور است و
فرد داوطلب باید برای پذیرش در این
دوره سواد پژوهشی داشته باشد؛ چه با
پایان نامه چه بدون آن. یعنی در هنگام
مصاحبه از پایان نامه نویسی ها در مورد
کار پژوهشی شان پرسش می شود و از
دیگران هم از کارهای پژوهشی که انجام
داده اند، و هر پایان نامه ای به معنی این
نیست که نویسنده ی آن سواد پژوهشی
را آموخته است. می توان گفت امتیاز
کار پژوهشی برای پذیرش در دکتری
را هر دو فرد می توانند به دست آورند
در هنگام مصاحبه دکتری بر گه ای در
دست استادهاست که نشانگرهایی دارد
و هیچ کدام از آنها داشتن یا نداشتن
پایان نامه نیست.

♦ نظر تحصیلات تکمیلی در این مورد
چیست؟

وقتی خودشان برگزار کننده اند به
طور حتم با آن موافقت؛ هر چند که این
امر که درس ها چگونه باید جایگزین
شوند تا آموزه های یک پایان نامه نویسی را
در اختیار فردی که پایان نامه نمی نویسد
قرار دهند، جای بحث دارد ولی در هر
صورت به برابری دو روش برای ورود





◆ نظر خودتان را در مورد دوره‌ی آموزش محور بیان کنید:

من از طرفداران پر و پا قرص این دوره هستم چراکه پایان‌نامه‌نویسی البته با توجه به کیفیت موجود، گاهی هم اتلاف وقت است و هم اتلاف نیرو؛ و در چنین حالتی ننوشتنش بهتر از نوشتنش هست و جایگزینی آن با چیزی بهتر می‌تواند سودمندتر باشد، و البته این سودمندی بستگی به درس‌ها و کارهای جایگزین شده دارد.

◆ و حرف پایانی:

حرف آخر این که ای کاش تمام گزینش‌های ما بر اساس آگاهی و اطلاع رسانی بود، نه این‌گونه که کار دانشجوی بر اساس ناآگاهی است. باید بدانیم که اکنون که شمار درخواست کنندگان ادامه‌ی تحصیل رو به افزایش است باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم و درس‌هایی جایگزین کنیم که نه تنها آنها خوب بیاموزند بلکه بر کیفیت پایان‌نامه‌ها هم افزوده شود. بنابراین این کار در دراز مدت کار مثبتی است، اگر به‌درستی برای آن برنامه‌ریزی شود.

یا به‌جای آن درس نظری برگزیند و مقایسه‌ای بین روش‌ها از نظر ارزشمندی آنها انجام نمی‌شود.

◆ وضعیت این گروه از دانشجویان برای ادامه تحصیل در خارج از کشور چگونه است؟

هیچ مشکلی ندارد و هیچ‌کس هم از دانشجو نمی‌پرسد پایان‌نامه داشته است یا نه. بلکه می‌پرسند که کار پژوهشی داشته یا نه و از آن مهم‌تر این که می‌پرسند چه کار پژوهشی می‌خواهد انجام بدهد و در آن زمینه‌ی مورد نظر، چه سواد و دانشی دارد؟ اگر دانشجو سواد پژوهشی خود را نشان بدهد او را می‌پذیرند.

◆ مادر گروه خود (روان‌شناسی تربیتی) تاکنون از میان دانشجویان آموزش محور برای دوره‌ی دکتری پذیرش داشته‌ایم؟

ما نداشته‌ایم، ولی باید توجه کرد که بسیاری از داوطلبان هستند که با پایان‌نامه می‌آیند و پذیرش نمی‌شوند، همچنین تعداد داوطلبان این گروه برای دوره‌ی دکتری اکنون کم است چراکه از یک‌سو شمار فارغ‌التحصیلان این روش در حال حاضر کم است و از سوی دیگر برخی از آنها چون از اول نمی‌خواستند دکتری بخوانند این روش را برگزیده‌اند.

شدنی است و البته نکته‌ی بسیار مهم این است که چگونگی کارکرد دانشجو هم در برآیند مهم است، به بیان دیگر این دانشجوست که با چگونگی کار و تلاش خود و بهره‌گیری‌اش از برنامه مشخص می‌کند که تا چه اندازه از یک برنامه‌ی سودمند، می‌تواند سود ببرد.

◆ دانشجو در مقابل دید منفی که در دیگر دانشجویان و استادها در مورد این روش وجود دارد باید چگونه برخورد بکند؟

این برخوردهای نادرست همگی از سر ناآگاهی است و دانشجو باید بتواند دلایل انتخاب خود را بگوید، اگر خود دانشجو هم از سر ناآگاهی انتخاب کرده است باید در وهله‌ی اول خودش را آگاه و راضی کند، از اینکه انتخابش درست و خوب است و سپس دلایل انتخابش و خوبی‌های این روش را برای دیگران بگوید و آنها را نیز آشنا سازد.

◆ این شیوه در کشورهای دیگر نیز وجود دارد؟ چگونگی آن را بفرمایید؟

بله، در آنجا هم برخی رشته‌ها و یا دانشگاه‌ها، پایان‌نامه دارند و برخی ندارند یعنی دانشجو در یک رشته می‌تواند برگزیند که پایان‌نامه داشته باشد و



خانواده

و تربیت دینی فرزندان

◎ عاطفه بیاری
(دانشجوی کارشناسی ارشد
روانشناسی تربیتی
دانشگاه الزهراء (س))



چکیده

آدمی فرایند زیستی خود را در خانواده آغاز می‌کند و این نهاد کارکردی بنیادی در تربیت و پرورش آدمی دارد. از این روی یکی از دغدغه‌های والدین تربیت فرزند است. غالباً والدین در زمینه تربیت فرزند با چنین پرسش‌هایی روبه‌رو هستند: تا چه اندازه خانواده در تربیت فرزند نقش دارد؟ تا چه اندازه این امر ضروری است؟ از چه زمانی باید آن را آغاز کرد؟ شیوه درست آن چگونه است؟ اسلام در زمینه تربیت فرزند چه دیدگاهی دارد؟ در این بررسی به صورت خلاصه سعی شده به این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

واژه‌های کلیدی: خانواده، تربیت، و تربیت دینی

مقدمه

شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والا بر تربیت مبتنی است و انسان شدن و وصولش به کمال نهایی مرهون تعلیم و تربیت است (کاردان، ۱۳۷۲). هدف از تعلیم و تربیت در اسلام نیز شکوفایی استعدادها در جهت رشد آدمی و تجلی عزت نفس در راه رسیدن به کمال و تبدیل شدن به انسان کامل دانسته شده است. از این روی اگر بخواهیم خود و فرزندانمان به انسان کامل مبدل شویم لازم است که تربیت صحیح شوند. در این مقاله چپستی، چرایی، و چگونگی تربیت دینی به عنوان شیوه‌ای برای تربیت درست مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تربیت

برای تربیت تعاریف گوناگونی بیان کرده‌اند؛ از جمله سادات (۱۳۶۵) تربیت را فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه درون وی دانسته است. برخی دیگر آن را آموزش‌های اخلاقی می‌دانند که به رفتار منجر می‌شوند. برخی دیگر تربیت را ربانی شدن می‌دانند (گوتک، ۱۳۸۶). شهید مطهری (۱۳۷۴) معتقد است که تعلیم و تربیت بحث ساختن انسان‌هاست. همان‌طور که از تعاریف برمی‌آید آموزش یکی از ارکان تربیت است؛ آموختن گونه‌های گوناگون رفتارها، اعمال، نگرش‌ها، تفکرات، اعتقادات، و باورها. نخستین موقعیتی که در آن انسان به آموختن می‌پردازد خانواده است.





در اسلام موضوعی به نام حقوق کودکان مطرح است. از جمله حقوق کودکان که بر عهده خانواده هاست تامین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است که این میسر نمی شود مگر از راه تربیت دینی

بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری و مسئول هستی که او را به بهترین وجه تربیت کنی و بر عهده‌ی توست که او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی. نکته‌ی مهم این جاست که حضرت می‌فرمایند مسئول هستی او را به بهترین وجه تربیت کنی نه اکتفای به تربیت حداقلی بنمایی، لذا در ادامه می‌فرمایند: با فرزندت آنچنان رفتار کن که اثر نیکوی تربیت تو، مایه‌ی زیبایی و جمال اجتماعی او شود یا اینکه او را آن چنان تربیت کن که بتوان در کارهای مختلف زندگی با عزت و آبرومندی زندگی کند و مایه‌ی زیبایی و جمال تو باشد (مظاهری، ۱۳۸۸).

حال که ضرورت تربیت صحیح فرزندان بر والدین ثابت شد به راهکارهایی در زمینه چگونگی این تربیت پرداخته می‌شود.

زمان آغاز تربیت

یکی از مباحثی که در تربیت دینی مهم است زمان شروع آن است. آن چه در آموزه‌های دینی در مورد انسان وارد شده و مورد اذعان علمای علم روان شناسی هم می‌باشد این است که انسان در سن کودکی استعداد و قابلیت قبول هر امری را اعم از خوب و بد دارد. هر امری به او عرضه شد و او قبول کرد تا آخر به همراه او خواهد بود و البته که در او ماندگار هم خواهد شد همان گونه که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي سَبَابَةٍ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ وَمَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ؛ کسی که تعلیم ببیند در جوانی، این تعلیم به منزله کندن روی سنگ است به این معنا که ماندگار می‌باشد و کسی که تعلیم ببیند در بزرگسالی و پیری، به منزله کشیدن چیزی روی آب است که بلافاصله از بین می‌رود». یکی از عواملی که این پذیرش

خاطر این که پدر و مادرها به فکر دنیایی بچه‌هایشان هستند اما به فکر آخرت بچه‌ها نیستند، به فکر تربیت صحیح این بچه‌ها و دین آنها نیستند سپس فرمودند من بری هستم از این گونه مردم و آنها از من بری هستند. حتی تاثیر فرزند صالح در آخرت والدین نیز در روایات گوشزد شده است.

برای نمونه امام صادق (ع) از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: "روزی حضرت عیسی (ع) از قبرستانی می‌گذشت و دید مرده‌ای را عذاب می‌کنند سال بعد از همان قبرستان گذشت و متوجه شد که عذاب آن مرده برداشته شده است از خداوند پرسید: قضیه چیست؟ خداوند فرمودند: فرزندی دارد که جاده‌ای را ترمیم کرد و یتیمی را پناه داد از این روی عذاب را از او برداشتیم" (همدانی، ۱۳۹۱). به نقل از اصول کافی ج ۴: ۶۰۴. همچنین در حدیثی از رسول مکرم اسلام (ص) آمده است که "هنگامی که فردی می‌میرد عمل او قطع می‌شود مگر در سه مورد: دانشی که از آن بهره برده شود، صدقه‌ای که برای او جاری باشد، یا فرزند شایسته‌ای که برای او دعا کند" (همدانی، ۱۳۹۱). به نقل از روضه الواعظین: ۳۴.

علاوه بر موارد بالا، امام سجاده (ع) می‌فرمایند: حق فرزند تو این است که بدانی وجود او از توست و بد و خوب او در این دنیا به تو ارتباط پیدا می‌کند و باید

بر مبنای یک احساس و سنت دیرین، مشخص‌ترین مسئولیت خانواده در برابر زیست و رفاه فرزندان در تامین نیازهای اولیه و تربیت خلاصه شده است و کودک نخستین چشم‌انداز از جهان پیرامون را در نهاد خانواده می‌آموزد و در این نهاد است که برای نخستین بار احساس وجود می‌کند. در این محیط است که کودک با آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و مسئولیت‌های خود آشنا می‌شود (پارسا، ۱۳۸۶). با توجه به نقش سرنوشت ساز تربیت خانوادگی در رشد فرزندان، در اسلام موضوعی به نام حقوق کودکان مطرح است. از جمله حقوق کودکان که بر عهده خانواده‌هاست تامین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است که این میسر نمی‌شود مگر از راه تربیت دینی.

آیات و روایات و سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) جلوه‌های فراوانی از این موارد هستند؛ برای نمونه: پیامبر (ص) در روایتی می‌فرمایند: "السعيد من سعد في بطن امه و الشقي من شقي في بطن امه" دل مادر زمینه ساز برای سعادت و زمینه ساز شقاوت بچه است. یا در سوره التحريم آیه ۶ آمده است "يا ايها الذين آمنوا اقوا انفسكم و اهليكم نارا و قودها الناس و الحجارة" افرادی که ایمان آورده اید شما باید هم خودتان و هم زن و بچه تان را از آتش جهنم نجات بدهید. یا در آیه ۱۵ سوره زمر می‌خوانیم و رشکسته آشکار در روز قیامت آن است که برای اولاد به جهنم برود و خود و زن و بچه اش را از آتش جهنم نجات نداده است.

مظاهری (۱۳۸۸) به چنین نمونه‌هایی در سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز اشاره می‌کند. پیامبر (ص) از جایی رد می‌شدند و بچه‌ها در حال بازی بودند و ایشان فرمودند بدا به حال بچه‌های دوره آخر الزمان از دست پدر و مادرشان به



را خصوصاً در کودکان بروز می‌دهد عدم استقلال آن‌هاست از والدین؛ لذا در حالی که مسائل را می‌توانند تا حدی تجزیه و تحلیل کنند اما با این حال رغبت دارند که اقتدار والدین خود را بپذیرند. بنا نهادن ارزش‌ها در این مرحله از رشد بسیار اهمیت دارد زیرا در مراحل بعد که کودک به مدرسه می‌رود و استقلالش بیشتر می‌شود شروع به سؤال از ارزش‌های شما می‌کند و ارزش‌هایی که همسالانش مطرح می‌کنند و نیز ارزش‌های شخصی خود را در کنار آن‌ها قرار می‌دهد. کودکانی که تا قبل از سن ۶ سالگی معیارهای ارزشی خانواده در آن‌ها جا نیفتاده است در معرض دریایی از ارزش‌های نامشخص قرار می‌گیرند و مستعد پذیرش ارزش‌های همسن و سالان، تأثیرات تلویزیون و انبوهی از افراد جور و اجور با معیارهای ارزشی متفاوت با محیط خانوادگی می‌شوند.»

به همین دلیل در مبانی دینی شروع به تربیت را از سنین پایین آغاز می‌کنند. امام باقر(ع) می‌فرماید: «وقتی کودک به سن ۳ سالگی رسید به وی امر کن هفت بار لا اله الا الله بگوید در این وقت کودک را به حال خود واگذار تا به سن ۳ سال و هفت ماه و بیست روز برسد در چنین مرحله‌ای باید به او تعلیم داد که هفت بار بگوید محمد رسول الله و تا چهار سالگی باید او را آزاد گذاشت پس از آن به او بگو که هفت مرتبه صلی الله علیه و آله را تکرار کند و تا پنج سالگی باید درنگ نمود در این وقت اگر کودک راست و چپ خود را تشخیص داد او را در برابر قبله قرار دهد و به او سجده را بیاموزد در شش سالگی به او بگو نماز بخواند و بالاخره رکوع و سجود و مراتب دیگر نماز را به او تعلیم ده» (مظاهری، ۱۳۸۸، به نقل از بحارالانوار ج ۲۲: ۱).



چگونگی تربیت دینی

مسئله مهم دیگر چگونگی این آموزش‌هاست. نخست باید دانست که از آغاز و شروع برنامه تا سن ۶ سالگی باید با ملاحظت کامل و آرامی و مدارا با فرزند برنامه دنبال شود؛ لذا امام(ع) از سن ۳ سالگی فقط به یک ذکر اکتفا می‌کند و کم کم آن را افزایش می‌دهند تا در سن هفت سالگی به نماز کامل برسد. نکته دیگر آن که کودکان در سن ۶ سالگی کاری انجام می‌دهند که در قبال آن پاداشی را دریافت کنند؛ لذا اگر ما بتوانیم برنامه‌ای را اجرا کنیم که به واسطه‌ی آن برای انجام امور دینی هر چند کوچک پاداش‌هایی باز هر چند کوچک پیش بینی کنیم ما را در نیل به هدف بسیار یاری خواهد کرد.

فعالیت‌های تربیتی زمانی اثربخش خواهد شد که ثبات و آرامش بیشتری

موجود باشد. رابطه بین اعضای خانواده که از آن به بافت عاطفی تعبیر می‌شود در انتقال مفاهیم تربیتی اهمیت دارد و پژوهش‌های انجام شده (کی‌نیا، ۱۳۷۵؛ احدی، ۱۳۶۹؛ ستوده، ۱۳۷۹) این نکته را تایید کرده‌اند که کج رفتاری‌ها و انحرافات اجتماعی تا حد زیادی ریشه خانوادگی دارد.

اسلام به روش الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه تربیتی همواره به این شیوه به عنوان شیوه موثر نگریده شده است (شاکری‌نیا، ۱۳۷۹). این شیوه در روان‌شناسی با عنوان یادگیری مشاهده‌ای یاد می‌شود که بسیار حائز اهمیت است.

برقراری رابطه صمیمانه و پرمحبت برای الگو لازم است. اتکینسون و هیلگارد به گفته‌ی براهنی و همکاران (۱۳۸۰) بیان کرده‌اند از بین عوامل نظیر شباهت،



قرآن هم بیان شده است "یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناوا و قودها الناس و الحجاره" ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که آتشگیره آن مردمان و سنگ‌ها هستند نگاه دارید" خانواده نقش مهمی در تربیت فرزند دارد. در ادامه مقاله از ضرورت تربیت سخن گفته شد و زمان مناسب و شیوه مورد تایید اسلام نیز مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است موارد گفته شده ذره‌ای ناچیز از توصیه‌های دین اسلام در زمینه تربیت فرزند است. از این روی با توجه به داشتن نقش بسیار مهم خانواده در تربیت فرزند لازم است آگاهی‌های خانواده را در زمینه تربیت صحیح بالا برد تا هم خانواده‌ها و هم جامعه و از همه مهمتر خود فرد از آن بهره ببرد.



منابع:

- اتکینسون ریئا، اتکینسون ریچارد و هیلگارد ارنست، زمینه روان شناسی. ترجمه براهنی و همکاران، تهران انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
- احمدی احد، روان شناسی نوجوانان و جوانان. تهران انتشارات نخستین، ۱۳۷۴.
- پارسا محمد، روان شناسی کودک و نوجوان. تهران انتشارات بعثت ۱۳۶۷.
- سادات محمد علی، اخلاق اسلامی. تهران انتشارات سمت ۱۳۶۶.
- شاکری نیا، ایرج، تربیت دینی با تاکید بر نقش خانواده. مجله تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۰، ۱۳۷۹.
- کاردان علی محمد، فلسفه تعلیم و تربیت. تهران انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
- گوئیگ جرالسد، مکتب‌های فلسفی و آراء تربیت اسلامی. ترجمه پاکدشت، ۱۳۸۰.
- مظاهری حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام. نشر بین الملل پاییز ۱۳۸۸.
- همدانی احمد رضا، تربیت دینی. مجله تربیت، سال سیزدهم شماره نهم، ۱۳۹۱.

است باید با جدیت و تلاش زیاد به تربیت مذهبی فرزندان اقدام کرد. تعلیم و تربیت دینی باید به گونه‌ای باشد که انسان را به سمت زیبایی‌های الهی و قرآنی هدایت کند.

راهکار دیگر برای والدین بازی کردن با کودک است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: به فرزندت اجازه بده تا هفت سال بازی کند و این آزادی مطلق نیست و والدین باید هدایت‌گر آن‌ها باشند چون کودک از نظر شرایط محیطی و معنوی تفاوت‌ها را در نمی‌یابد؛ بنابراین مراقبت از وی و جلوگیری از اشتباهات تربیتی و آسیب‌های جسمی لازم است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این مقاله بیان شد خانواده نخستین و مهمترین نقش را در تربیت فرزند دارد و همان‌طور که در

قدرت، و صمیمیت عامل صمیمیت تاثیر قوی‌تری بر فرد دارد. نخستین جایی که این صمیمیت برقرار می‌شود خانواده است. ایجاد صمیمیت و رابطه محبت آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و درخواست‌های آن پیروی کنند زیرا می‌ترسند در غیر این صورت عشق و علاقه آن‌ها را از دست دهند.

مسئله مهم دیگر در زمینه تربیت دینی این است که بدانیم آموزش دینی جدی است بنابراین به نظم و جدیت نیاز دارد (شاکری نیا، ۱۳۷۹). خانواده‌ها همان‌طور که برای درس و تحصیلات فرزندان با جدی برنامه‌ریزی می‌کنند برای آموزش فرایض دین نیز باید با صبر و حوصله، وقت صرف کرد. همه چیز را نباید به دست حوادث و اتفاقات سپرد. در برنامه‌های ضد دینی و اعتقادی فراگیر که در رسانه‌ها و اینترنت قابل مشاهده



نارسایی

ادراکی - حرکتی

چیست؟

● معصومه محمدآبادی
(دانشجوی کارشناسی ارشد
روان شناسی تربیتی)

و به خاطر آوردن، اشکال بینایی مشکل داشته باشد یا اینکه ممکن است حروف را وارونه کند. آنها بعضی از این کودکان را به عنوان کسانی که دارای دوپای چپ یا ده شصتی هستند، توصیف می کنند. مشکلات آنها ممکن است مربوط به مهارت های حرکتی ظریف یا مهارت های حرکتی دشت باشد. مهارت های حرکتی ظریف اغلب متضمن هماهنگی بین سیستم های حرکتی و بینایی هستند. در حال حاضر کودکی که مشکلات حرکتی دارد به صورت چند جانبه (تربیتی)

تعدادی از کودکان هماهنگی حرکتی ندارند و در رشد حرکتی شان تأخیرهای زیاد مشاهده می شود. آنها برای بهبود مهارت ها و عملکردهای حرکتی خود نیاز به مداخله ی درمانی دارند. در گذشته محققان بر این باور بودند که یادگرفتن فعالیت های حرکتی^۱ (راه رفتن، جست و خیز کردن، پریدن، پرتاب کردن و...) لازمه ی آموختن فعالیت های سطح بالاتر مثل صحبت کردن، خواندن و نوشتن است. مطالعات، نقایصی را در ادراک بینایی^۲ یا شنیداری^۳ کودکان با نارسایی های حسی- حرکتی نشان داده اند. مشکلات آنها به قدرت بینایی و شنیداری که در نابینایان و ناشنوایان مطرح می باشد، ارتباطی ندارد، بلکه آنها اشکالاتی در سازمان دهی و پردازش محرک های بینایی و شنوایی دارند. کودک با مشکل در ادراک بینایی ممکن است در حل پازل ها یا دیدن

1. Motor activities
2. Visual perception
3. Audio



با مشکلاتی مواجه شوند. این کودکان تجربه‌های حرکتی لازم را برای درون سازی طرحواره‌های جامع و پایدار از دنیا ندارند. آنها قادر به پردازش اطلاعات خود و سازماندهی آنها به نحوی خودبسنده نیستند و از نظر جسمانی، ادراکی و شناختی سازمان نایافته اند (احدی و کاکاوند، ۱۳۸۲).

اگر انطباق ادراکی - حرکتی به طور صحیح صورت نگیرد، کودک در دو دنیای تعارض آمیز - دنیای ادراکی و دنیای حرکتی - زندگی خواهد کرد. در این صورت نمی‌تواند به اطلاعات دریافتی خود اعتماد کند، زیرا دو نوع داده با یکدیگر همخوان نیستند و نمی‌توانند به هم ربط پیدا کنند. ادراک حرکتی از طریق حرکت‌های بدن و احساس عضلانی حاصل می‌شود. آگاهی از وضعیت اندام‌ها که از طریق اعضای گوناگون و احساس‌های جسمانی انقباض عضلانی، تنش و آرامش حاصل می‌شود، مثال‌هایی از ادراک حرکتی است.

دستگاه‌های بساوی و حرکتی منبع مهم اطلاعات درباره‌ی خصوصیات شیء، حرکت بدن و روابط درونی بین آنهاست. بیشتر تکالیف تحصیلی، همچون اکثر اعمال زندگی روزانه، نیاز به لمس کردن و حرکت بدن هر دو دارند. ادراک بساوی و حرکتی نقش عمده‌ای در یادگیری ایفا می‌کند (لرنر، ۱۳۸۴).

انواع مشکلات حرکتی - ادراکی: مشکلات عمده‌ی این کودکان:

الف - نارسایی ادراکی دیداری: بعضی از این کودکان ممکن است در زمینه تشخیص شکل و زمینه، درک روابط فضایی، هماهنگی بینایی - حرکتی و ادراک شکل مشکلاتی داشته باشند.

ب - نارسایی ادراکی شنیداری: بعضی از این کودکان ممکن است بتوانند به خوبی بشنوند اما قادر به تعبیر و تفسیر آنچه می‌شنوند نباشند.

دارند (کریمی، ۱۳۸۷). رفتارهای حرکتی عده‌ای از آنها شبیه کودکان خیلی کوچکتر از خودشان است. حرکت‌های هم جنبشی (موقعی که کودک با دست راست حرکتی را انجام می‌دهد دست چپ به طور غیر ارادی حرکتی سایه‌ای انجام می‌دهد)، هماهنگی ضعیف فعالیت‌های حرکتی زمخت، دشواری در هماهنگی حرکتی ظریف، تصویر بدنی ضعیف و نداشتن جهت‌یابی از نمونه‌های چنین رفتارهایی است. آنها دائماً در کلاس درس بر اثر تصادف با اشیاء، افتادن از صندلی، انداختن مدادها و کتاب‌ها و دست و پا چلفتی بودن باعث ناراحتی دیگران می‌شوند (لرنر، ۱۳۸۴).

نظریه‌ی ادراکی - حرکتی در مورد ناتوانی‌های یادگیری را "کپارت"^۶ یکی از پیشگامان ناتوانی‌های یادگیری تدوین کرد. نظریه‌ی ادراکی - حرکتی معتقد است کودکانی که رشد ادراکی - حرکتی بهنجار دارند مفهومی سه بعدی و یکپارچه از جهان در ذهن خود تشکیل می‌دهند، جهان ادراکی - حرکتی با ثباتی که تا قبل از ۶ سالگی، سنی که با تکالیف تحصیلی مواجه شوند، در ذهن آنها شکل می‌گیرد. در مقابل، عده‌ای از کودکان دچار ناتوانی یادگیری، رشد حرکتی ناهنجاری دارند. آنها مجبورند با جهان ادراکی - حرکتی ناپایدار و غیر منسجمی دست و پنجه نرم کنند. برای حل و فصل مواد درسی نمادین، کودکان باید یادگیرند به طور دقیق تری به مشاهده‌ی فضا و زمان بپردازند و سپس این مشاهده‌ها را با اشیاء و رویدادها مرتبط سازند. طبق گفته‌ی کپارت کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری وقتی با مطالب نمادین روبرو می‌شوند به علت نداشتن آشنایی کافی با واقعیت‌های اساسی جهانی که آنها را احاطه کرده - به ویژه در ابعاد فضا و زمان - ممکن است

بدنی تطبیقی، کار درمانی، فیزیوتراپی) آموزش می‌بیند.

واژه‌های کلیدی: نارسایی ادراکی - حرکتی^۴، کنش پریشی^۵

مقدمه

فعالیت‌های ادراکی - حرکتی در حیطه ناتوانی‌های یادگیری مورد توجه زیادی قرار گرفته است. ادراک به عملیات روان‌شناختی برای کشف معنی یک احساس اطلاق می‌شود. ادراک، محرک‌های شنیداری، دیداری و لامسه را سازمان‌دهی و دارای ساختار و تعبیر و تفسیر می‌کند. کودکانی که ناتوانی ادراکی دارند معمولاً برای تعبیر و تفسیر و پیدا کردن معنی محرک‌های محیطی‌شان دچار مشکل می‌شوند. از آن جا که اصطلاح حرکت به جا به جایی اطلاق می‌شود، وجود ناتوانی در تحول حرکتی می‌تواند باعث بروز مشکلاتی در یادگیری تکالیفی که به مهارت‌های حرکتی ظریف، هماهنگی چشم و دست و تعادل نیازمند هستند گردد. این مشکلات می‌توانند حرکات را ضعیف کرده روی استفاده و کنترل ماهیچه‌ها اثر منفی بگذارند و یا می‌توانند باعث ضعف در هماهنگی عملکرد حرکتی و ادراکی شوند.

در این مقاله تلاش شده است به معرفی مشکلات ادراکی - حرکتی، انواع مشکلات ادراکی - حرکتی، و شیوه‌های ارزشیابی مهارت‌های ادراکی - حرکتی پرداخته شود.

دانش‌آموزان دارای مشکلات حرکتی با گام‌های ناشیانه و بی‌مهارت راه می‌روند، یا در پرتاب کردن و گرفتن توپ، جست و خیز کردن، یا جفتی پریدن دشواری دارند. برخی از آنها در حرکات ظریف مثل بریدن با قیچی، بستن دکمه‌ی لباس، یا بالا کشیدن زیپ مشکل

4. Perceptual-motor deficits

5. Apraxic

6. Kupart



ج- نارسایی ادراکی لمسی: نظام ادراکی لمسی شامل به دست آوردن اطلاعات در زمینه کیفیت اشیاء و درک حرکات بدن و روابط بین آنها از طریق حس لامسه و جنبشی است.

د- نارسایی‌های حرکتی: کودکان با نارسایی‌های یادگیری ممکن است اشکالاتی در زمینه مهارت‌های حرکتی غیرظریف؛ و مهارت‌های حرکتی ظریف داشته باشد (امیدوار، ۱۳۸۴).

چهار نظریه در مورد رشد ادراکی - حرکتی وجود دارد:

۱- شیوه‌های ادراکی (کپارت): این نظریه تأکید دارد که تمامی قسمت‌های فرایند ادراکی - حرکتی با همدیگر و در حکم یک واحد عمل می‌کنند. این نظریه، رشد کودک را مجموعه مراحل می‌داند که هر یک از آنها نسبت به مرحله‌ی پیش از خود پیچیدگی بیشتری دارد مهمتر از همه، کپارت معتقد است که اصولاً کل هر رفتار، حرکتی است و پیش نیازهای لازم برای هر رفتار را واکنش‌های عضلانی و حرکتی تشکیل می‌دهد.

ناهنجاری در توالی رشد می‌تواند از محرومیت‌های محیطی، آسیب یا کاستی‌های عضوی، یا فشارهای عاطفی که کودک از عهده‌ی مقابله با آنها بر نمی‌آید ناشی شود. کپارت معتقد است که مهارت‌های پایه را باید به ترتیب رشد طبیعی آنها آموزش داد.

۲- نظریه‌ی اصالت حرکت (بارش^۷): بارش بر این باور استوار است که الگوهای حرکتی موجب کارایی یادگیری می‌شود. بارش معتقد است که حرکت در تمام یادگیری‌ها یک متغیر به حساب می‌آید و همه‌ی کودکان به حرکت نیاز دارند (والاس و مک لافلین، ۱۳۷۰). بارش چنین ادعا می‌کند که، گرچه کودکان ناتوان در یادگیری به بازآموزی حرکتی نیاز دارند، اما یک چنین

آموزشی، جمعیت کثیری از این قبیل کودکان را می‌تواند در بر گیرد (فریار و رخشان، ۱۳۶۳).

۳- مدلی دیداری - حرکتی (گتمن^۸): براساس این فرضیه که مهارت‌های ادراکی را می‌توان از طریق کارورزی رشد داد، برنامه‌ای دیداری - حرکتی تدارک دید. وی بر این باور است که رشد مهارت‌های ادراکی به سطوح هماهنگی مربوط می‌شود. در عین حال، توجه عمده‌ی نظریه‌ی گتمن بر ادراک دیداری است.

شباهت‌هایی میان مدل گتمن و سایر شیوه‌های ادراکی - حرکتی، بویژه مدل بارش، وجود دارد.

۴- مفهومی مرتبط با سازمان عصبی (دومان - دلاکاتو^۹): آنها بر این باورند که علت بسیاری از مشکلات یادگیری کودکان نابسامانی‌های دستگاه

دانش آموزان دارای مشکلات حرکتی با گام‌های ناشیانه و بی‌مهارت راه می‌روند، یا در پرتاب کردن و گرفتن توپ، جست و خیز کردن، یا جفتی پریدن دشواری دارند. برخی از آنها در حرکات ظریف مثل پریدن با قیچی، بستن دکمه‌ی لباس، یا بالا کشیدن زیپ مشکل دارند

عصبی است. برای تمامی کودکان در هر یک از سطوح متوالی سازمان عصبی شیوه‌های درمانی دقیقی تدارک دیده است. روشی که به درمان مغز می‌پردازد و با نشانه‌های آسیب دیدگی مغزی کاری

8. Getman
9. Duman - Dlakatv

ندارد، الگوسازی یا طرح‌ریزی خوانده می‌شود. کار این روش پرداختن به بهره‌گیری دقیق از بازوها، پاها، و سر است. هنگامی که با شیوه‌ی درمانی الگوسازی اولیه سازمان عصبی تکمیل شد، معمولاً آموزش جبرانی انجام می‌گیرد (والاس و مک لافلین، ۱۳۷۰).

کودک دچار اختلال ادراکی ممکن است یا تحریف شکل - زمینه را تجربه کند، که به خلط پس زمینه و پیش زمینه می‌انجامد و یا بر جزء نامربوطی از تصویر تمرکز کند و در نتیجه قادر به درک معنی کل تصویر نباشد (لرنر، ۱۳۸۴).

از میان شیوه‌های ارزشیابی مهارت‌های ادراکی - حرکتی، می‌توان از پرکاربردترین آنها یعنی آزمون‌های منتشر شده یا تکنیک‌های غیر رسمی نام برد. به طور کلی اکثر آزمون‌های منتشر شده بر ارزشیابی وجوه ادراکی خاص، از جمله وجوه دیداری، شنیداری، و حرکتی تأکید دارد. برای ارزشیابی مهارت‌های ادراکی - حرکتی کودک معمولاً از شیوه‌های مشاهده‌ای و آزمون‌های مختلف غیر رسمی ساخت معلم استفاده می‌شود (والاس و مک لافلین، ۱۳۷۰).

آزمون اندازه‌گیری ادراکی - حرکتی کپارت

وسیله‌ی اندازه‌گیری ادراکی - حرکتی کپارت شامل امتحان یا مشاهده در زمینه‌های زیر است:

۱- حالت و تعادل: چهار نمره، سه نمره برای راه رفتن بر برنده‌ی چوبی که شامل راه رفتن به جلو، عقب، و به پهلوست، و یک نمره برای توانایی پریدن که شامل پریدن با دو پا و با یک پاست.

۲- تصور بدنی و تشخیص تفاوت: پنج نمره که شامل شناسایی قسمت‌های مختلف بدن، تقلید حرکات، تعقیب هدف، دو تمرین در ارتباط با تناسب اندام، و فرشته در برف است.

۳- پیوند ادراکی - حرکتی: هفت نمره،



روانشناسی عصبی بر اهمیت یادگیری حرکتی اولیه به عنوان جزء جدایی ناپذیر تشکل و ساخت پذیری یاخته‌های قشر مغز که مسئول عملکردهای عالی مغز هستند تاکید می‌کنند. تمامی حرکات ارادی مستلزم عنصری از ادراک هستند و پیوند مهمی بین فرایند ادراکی و حرکتی وجود دارد. به منظور کسب اطلاعات بی واسطه نسبت به جهان خارج، باید روی حواس تکیه شود. سانتراک در سال ۲۰۰۱ خاطر نشان ساخت که از دیدگاه سامانه‌های پویا، رشد ادراکی و رشد حرکتی بطور مجزا از یکدیگر رشد نمی‌کنند بلکه آمیخته هستند. بنابراین افراد برای تجربه نمودن حرکت ادراک می‌کنند و برای تجربه نمودن حرکت می‌کنند. برنامه‌ی آموزش انفرادی کودک ممکن است ترتیب بدنی انطباقی، کاردرمانی یا تن درمانی را جزو خدمات مورد نیاز تشخیص دهد.

نام نامه

- احدی، حسن و علیرضا کاکاوند (۱۳۸۲)؛ اختلال‌های یادگیری (از نظریه تا عمل)؛ نشر ارسباران؛ تهران.
- امیدوار، احمد (۱۳۸۴)؛ نارسایی ویژه در یادگیری؛ انتشارات سخن گستر؛ مشهد.
- سیف نراقی، مریم و عزت... نادری (۱۳۹۰)؛ نارسائی‌های ویژه‌ی یادگیری؛ چگونگی تشخیص و روش‌های بازپروری؛ انتشارات ارسباران؛ تهران.
- فریار، اکبر و رخشان، فریدون (۱۳۶۳)؛ ناتوانی‌های یادگیری، نشر میترا، تهران.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷)؛ اختلالات یادگیری؛ مسائل نظری و عملی؛ نشر ساوالان؛ تهران.
- لرنر، ژانت (۱۳۸۴)؛ ناتوانی‌های یادگیری؛ نظریه‌ها، تشخیص و راهبردهای تدریس؛ ترجمه‌ی عصمت دانش؛ نشر دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران.
- مک نامارا، باری (۱۳۸۸)؛ کلیدهای برخورد با ناتوانی در یادگیری؛ ترجمه‌ی ترانه بهمنی؛ نشر صابرین؛ تهران.
- والاس، جرالند و جیمز، مک لافلین (۱۳۷۰)؛ ناتوانی‌های یادگیری، مفاهیم و ویژگی‌ها؛ ترجمه‌ی م. تقی منشی طوسی؛ انتشارات آستان

۲- استفاده از تخته‌های تعادل برای یاری کودک در یافتن مرکز ثقل و به وجود آوردن تعادل راست و چپ.

۳- پریدن روی تشک فنری برای ایجاد تصویر بدن، هماهنگی بدن و تعادلی پویا.

۴- انجام تمرینات موزون برای ایجاد هماهنگی بین ضربان‌های بدن، بینایی، شنوایی.

رویکرد تکلیف- فرآیند شامل مراحل زیر است: الف) تجزیه و تحلیل کردن تکلیف برای تعیین خرده تکالیف لازم جهت یادگیری کل تکلیف. ب) آزمون قدرت عملکرد کودک در مهارت‌های خرده تکلیف برای تعیین این که کودک چه کاری را می‌تواند و چه کاری را نمی‌تواند انجام دهد. ج) تعیین فرآیند ادراکی- حرکتی لازم برای انجام کامل تکلیف. د) نوشتن اهداف آموزشی و تکلیف- فرآیند و روش‌های انجام تکلیف را یکپارچه و تلفیق می‌کند.

در حال حاضر کودکی که مشکلات حرکتی دارد به صورت چند جانبه آموزش می‌بینند. از تربیت بدنی تطبیقی به منظور تغییر برنامه‌ی ورزشی موجود و تطبیق آن با احتیاجات فرد استفاده میشود. از کار درمانی برای بالا بردن مهارت‌های حرکتی استفاده می‌شود و از فیزیوتراپی در جهت به کار انداختن مهارت‌های درشت حرکتی دانش آموزان بهره می‌گیرند (نامارا، ۱۳۸۸).

نتیجه گیری

در روند رشدی کودک، مراحل حسی - حرکتی نقش مهمی را در مهارت های مربوط به سنین مدرسه از جمله مهارت های تحصیلی ایفا می کنند. عده ی زیادی از پژوهشگران به اهمیت یادگیری حسی- حرکتی نخستین به عنوان قطعات ساختمان تکامل ادراکی و شناختی پیچیده سال‌های بعدی تاکید می‌کنند و عده ای دیگر از نقطه نظر عصب،

که چهار نمره برای فعالیت‌های مربوط به تخته سیاه مانند رسم دو دایره همزمان و هر کدام با یک دست، و سه نمره برای موزون نوشتن است که شامل تناسب حروف، روانی حرکت و تغییر جهت در نوشتن می باشد.

۴- کنترل چشمی: چهار نمره. کودک اول باید با دو چشم، سپس با چشم راست، پس از آن با چشم چپ، و در آخر مجدداً با دو چشم حرکت نوری را که دور و نزدیک می شود، تعقیب می‌کند (سیف نراقی و نادری، ۱۳۹۰).

ترمیم به سن کودک و به نوع و درجه اختلال ادراکی او که پس از اجرای آزمون‌ها و مشاهده‌ی رفتار مشخص می‌شود، بستگی دارد

ترمیم ناتوانی‌های ادراکی- حرکتی روش‌های ترمیمی برای ناتوانی‌های ادراکی- حرکتی توسط درمانگران حرفه‌ای، درمانگران جسمی، درمانگران باز آفرینی و به وسیله نظریه پردازانی چون کپارت، بارش، گتمن، فراستیک و سایرین تحول و تکامل پیدا کرده است. ترمیم به سن کودک و به نوع و درجه اختلال ادراکی او که پس از اجرای آزمون‌ها و مشاهده رفتار مشخص می‌شود بستگی دارد. برخی از فعالیت‌هایی که می‌توان برای ترمیم ناتوانی‌های ادراکی- حرکتی انجام دهیم شامل موارد زیر می‌باشند:

۱- راه رفتن تخته‌های چوبی برای آموزش جهت‌یابی، وضعیت بدن و تعادل کودک.



روش‌های صحیح مطالعه

(چگونه به بهترین شکل مطالعه کنیم؟)

فرشته نیک سیرت
دانشجوی کارشناسی ارشد
روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهراء(س)

چکیده:

فراغت از تحصیل ضروری می‌باشد. در این مقاله به تعریف راهبردهای یادگیری، برخی پژوهش‌های انجام شده در این باره، روشهای مطالعه پرداخته می‌شود.

تعریف راهبردهای یادگیری:

منظور از راهبرد^۱ یک برنامه یا نقشه‌ی کلی است که از مجموعه‌ی عملیات تشکیل می‌یابد، و برای رسیدن به یک هدف معین طراحی و اجرا می‌شود. عموماً "راهبردهای یادگیری و مطالعه را با دواصطلاح راهبردهای شناختی^۲ و راهبردهای فراشناختی^۳ معرفی می‌کنند. شناخت را می‌توان به عنوان فرآیندها یا جریان‌هایی که به کمک آنها یادگیری، یادآوری، و تفکر صورت می‌پذیرد تعریف کرد (سیف، ۱۳۸۸: ۲۸۴). فراشناخت به شناخت شناخت یا دانستن درباره‌ی دانستن گفته می‌شود. دانش فراشناختی شامل: دانش مربوط به خود یادگیرنده، مانند آگاهی از رجحان‌ها، علاقه‌ها،

برای یادگیری بهتر و مطالعه‌ی ثمر بخش تر، راهبردهای یادگیری و روش‌های مطالعه و ترفندهایی برای به خاطر سپاری و استفاده‌ی بهینه از مطالب یادگرفتنی ضروری می‌باشند. پژوهش‌های زیادی در باره‌ی اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری بر روی متغیرهای مختلف از قبیل پیشرفت تحصیلی و انگیزش انجام شده که همگی حاکی از آنند که آموختن روشهای مطالعه و یادگیری و در واقع چگونه یاد گرفتن می‌تواند نتایج مثبتی در یادگیرنده داشته باشد. در این مقاله در ابتدا تقسیم بندی راهبردهای یادگیری و انواع آن مطرح می‌شود. همچنین فعالیت‌هایی که پیش از مطالعه، هنگام مطالعه و پس از مطالعه لازم است ذکر می‌شود که با رعایت این نکات می‌توان به مطالعه‌ی موثر تر و در نتیجه به یادگیری بهتر رسید.

کلمات کلیدی: راهبردهای یادگیری، روش‌های مطالعه، مطالعه‌ی موثر

مقدمه:

رسیدن به هر هدفی نیازمند شناخت و کاربرد راهبردها و روش‌های صحیح رسیدن به آن هدف می‌باشد. یادگیری هم به عنوان یک هدف از این قاعده مستثنی نیست. ما برای یادگیری اثربخش به روش‌هایی نیازمندیم که بتوانیم به بهترین نحو مطالب مختلف را بیاموزیم. همیشه در یادگیری آموزشگاهی این مسئله مطرح بوده که دانش‌آموزان بتوانند مطالب ارائه شده در کلاس درس را به بهترین شکل یاد بگیرند و با علاقه و انگیزه مسیر یادگیری خود را ببیمایند و این امر مستلزم آگاهی دانش‌آموزان و دانشجویان از فرآیند یادگیری، آموختن راهبردهای یادگیری، و روش‌های صحیح مطالعه می‌باشد، که به مطالعه موثر دروس و در نتیجه یادگیری بهتر و ماندگارتر می‌انجامد.

از سوی دیگر یادگیری فقط محدود به محیط‌های آموزشی نمی‌شود و ما سهمی از دانسته‌های خود را از طریق مطالعه موضوعات مختلف بنا بر نیاز خود بدست می‌آوریم. بنابراین آگاهی از روش‌های مطالعه در هر زمانی، چه در زمان تحصیل و چه در زمان

1. strategy
2. cognitive strategies
3. metacognitive strategies



شامل برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی، و نظم دهی می‌باشد (همان: ۲۸۶ الی ۲۹۸).

پژوهش‌های مرتبط در اثر بخشی راهبردهای یادگیری:

عطار خامنه و سیف (۱۳۸۸)، در پژوهشی دریافتند: آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه فراشناختی بر انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه تاثیر مثبت دارد.

سیف و شقاقی تاثیر آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه بر میزان یادگیری دانشجویان دانشگاه پیام نور را مورد بررسی قرار دادند که نشان داد: آموزش راهبردهای یادگیری و مطالعه، یادگیری دانشجویان را در هنگام خواندن و مطالعه‌ی کتاب‌های درسی افزایش می‌دهد، اما نوع آموزش (حضور یا نیمه حضوری) راهبردهای بالا در میزان یادگیری تاثیر متمایزی ایجاد نمی‌کند.

در پژوهشی که حقانی و خدیوزاده درباره‌ی تاثیر دوره‌ی آموزش کارگاهی مهارت‌های مطالعه و یادگیری بر راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان استعداد‌های درخشان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شرکت در یک دوره آموزشی کارگاهی مهارت‌های مطالعه بر راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان استعداد‌های درخشان تاثیر مثبت داشت و مهارت‌های فکری و راهبردهای ذهنی که دانشجویان در مطالعه و یادگیری از آنان استفاده می‌کنند، قابل آموزش و یادگیری هستند و می‌توان راهبردهای یادگیری دانشجویان را از طریق آموزش اصلاح نمود.

چند پیشنهاد برای آماده شدن برای مطالعه:

محل مطالعه را با دقت انتخاب کنید. محلی که میزان صدا برای تمرکز مناسب باشد، میز و صندلی اندازه‌ی مناسب



برداری^{۱۱}، خلاصه کردن^{۱۲}، قیاس‌گری^{۱۳} و سازماندهی^{۱۴} از راهبردهای شناختی اند. بهترین و کامل‌ترین راهبرد یادگیری و مطالعه سازماندهی است. در استفاده از این راهبرد، برای معنی دار ساختن یادگیری به مطالبی که قصد یادگیری آنها را داریم نوعی چهار چوب یا ساختار سازمانی تحمیل می‌کنیم. این چهار چوب سازمانی می‌تواند ویژه‌ی اطلاعات جدید باشد یا اینکه مطالب جدید را به دانش موجود ربط دهد. راهبردهای فراشناختی

و... دانش مربوط به تکلیف یا موضوع یادگیری، و دانش مربوط به راهبردهای یادگیری و چگونگی استفاده‌ی درست از آنها (همان: ۲۸۵). راهبردهای شناختی شامل روش تکرار یامرور^۴، بسط یا گسترش معنایی^۵، که شامل استفاده از واسطه‌ها^۶، تصویرسازی ذهنی^۷، روش مکان‌ها^۸، کلمه‌ی کلیدی و سرواژه^{۱۰} است. همچنین روش یادداشت

- 4.rehearsal.
- 5. elaboration
- 6 . mediators
- 7 . mental imagery
- 8 . method of loci
- 9 . key word
- 10 . acronym

- 11 . note making
- 12 . summarizing
- 13. analogy
- 14 . organization



بهترین و کامل ترین راهبرد یادگیری و مطالعه ساز ماندهی است

داشته باشد، فضای مطالعه و دیوارهای اطراف خلوت و بدون پیرایه باشد و... (نشریه پیام مشاور، ۱۳۹۰).

سعی کنید هنگام مطالعه یک حالت جذابیت و علاقه به درس را در خود ایجاد نمایید، زیرا مطالب در حافظه خیلی قوی تر و پررنگ تر ثبت می شوند (فانوسی، ۱۳۷۲).

برنامه‌ی خود را طوری تنظیم کنید که بعد از مطالعه یک استراحت کوتاهی نمایید و حداقل یک آرمیدگی در خود ایجاد کنید (فانوسی، ۱۳۷۲)، و از روش‌های تن آرامی هنگام مطالعه، یا قبل از امتحان استفاده کنید (نشریه پیام مشاور، ۱۳۹۰). بهتر است زمان‌های مطالعه به بخش‌های ۴۰ یا ۵۰ دقیقه‌ای با استراحت کوتاهی بین آنها تقسیم شود. زمان کوتاه استراحت فرصت مناسبی فراهم می‌آورد تا اطلاعاتی که لحظاتی پیش مورد مطالعه قرار گرفته است از طریق پیوند داخلی جزئی از خود را با اجزای دیگرش یکپارچه‌گی و تکامل بخشد (فانوسی، ۱۳۷۲).

غلبه بر موانع تمرکز حواس:

دل زدگی، بی‌علاقگی، در خواب و خیال رفتن هنگام مطالعه، و حواس پرتی همگی سبب کاهش تمرکز حواس می‌شوند. بدون تمرکز حواس مطلبی که درک و فهم آن یک ساعت طول می‌کشد، ممکن است چندین ساعت

بدون تمرکز حواس مطلبی
 که درک و فهم آن یک
 ساعت طول می‌کشد،
 ممکن است چندین ساعت
 وقت بگیرد و به خوبی
 فهمیده نشود

بخش و عنوان‌های فرعی آن را بخوانید و موضوعات آنرا به صورت یک یا چند سوال در نظر بگیرید که بعداً باید به آن پاسخ دهید.

۳. خ (خواندن):^{۱۷} هر بخش را به دقت بخوانید و سعی کنید به سوال‌هایی که در مرحله‌ی سوال کردن مطرح شده بود، پاسخ دهید. تامل کنید و سعی کنید بین آن مطالب و اطلاعات قبلی خود ارتباط برقرار کنید.

۴. ب (به خود پس دادن):^{۱۸} پس از خواندن هر بخش سعی کنید مفاهیم اصلی را به خاطر آورید و اطلاعات را از حفظ به خود بگویید. ۵. آ (آزمون):^{۱۹} پس از خواندن مطالب فصل باید به آزمون و مرور مطالب بپردازید.

پژوهش‌ها حاکی از وجود فواید فراوان در روش پس‌خبا بوده و مسلماً این روش کارآمدتر از روش‌های ساده‌ی مطالب است (توماس و رابینسون، ۱۹۸۲ به نقل از هیلگارد و همکاران). در این روش مخصوصاً «به خود پس دادن مطالب، نقش بسیار مهمی دارد. اختصاص بخش عمده‌ی طول مدت مطالعه به «یادگیری فعال مطالب» بهتر از آن است که تمام وقت خود را صرف خواندن و بازخوانی مطلب کنید (گیتس، ۱۹۱۷)، به نقل از همان. بررسی‌ها موید آنند که خواندن

وقت بگیرد و به خوبی فهمیده نشود. کارهایی مثل سوال کردن خواننده از موضوع کتاب، علامت‌گذاری، و حاشیه نویسی، ربط دادن مطالب کتاب با سایر اطلاعات می‌تواند از حواس پرتی جلوگیری کند. همچنین عبارت خوانی به تمرکز حواس کمک می‌کند. از طریق عبارت خوانی خواننده با یک سرعتی که نزدیک به سرعت اندیشیدن اوست می‌خواند. اگر سرعت مطالعه آنقدر کم باشد که ذهن از حالت فعال بودن باز بماند، فرد احساس دل زدگی می‌کند. راه دیگر مقابله با حواس پرتی این است که هنگام مطالعه یک تکه کاغذ در دسترس قرار دهیم و هرگاه مشکلی ذهن ما را اشغال کرد فوری یکی دو کلمه در مورد آن بر روی کاغذ بنویسیم و زمانی را که تصمیم داریم به آن مشکل رسیدگی کنیم یادداشت کنیم (همان).

چند راهبرد موثر در مطالعه‌ی دروس:

یکی از راهبردهای مطالعه و یادگیری روش پس‌خبا (PQRST) است که شامل سرواژه‌های کلمات زیر است:

۱. پ (پیش خوانی):^{۱۵} مرور کلی و خواندن فهرست مطالب و نمودارها به منظور آشنایی با موضوعات کلی کتاب.

۲. س (سوال کردن):^{۱۶} در حین خواندن مطالب هر بخش، نخست عنوان آن

17. reading
 18. self-recite
 19. test

15. preview
 16. question



نام نامه

- ۱- اتکینسون، ریچارد سی و همکاران (۱۳۸۵)، زمینه‌ی روانشناسی هیلگارد، ترجمه‌ی محمد نقی براهنی، انتشارات رشد
- ۲- نشریه پیام مشاور (۱۳۹۰)، آیا هنگام مطالعه تمرکز خود را از دست می‌دهید؟ سال یازدهم، شماره ۱۰۴، ص ۲
- ۳- سیف، علی اکبر (۱۳۸۸)، روان شناسی پرورشی نوین، نشر دوران
- ۴- سیف، علی اکبر، عطار خامنه، فاطمه (۱۳۸۸)، تاثیر آموزش راهبردهای یادگیری مطالعه فرا شناختی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، پژوهشنامه مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره نهم
- ۵- سیف، علی اکبر، شقاقی، فرهاد، تاثیر آموزشی راهبردهای یادگیری و مطالعه بر میزان یادگیری دانشجویان دانشگاه پیام نور، پیک نور، سال سوم، شماره دوم
- ۶- حقانی، فریبا، خدیو زاده، طلعت، تاثیر دوره آموزش کارگاهی مهارت‌های مطالعه و یادگیری بر راهبردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان استعداد درخشان، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی
- ۷- فانوسی، فرهاد، (۱۳۷۲)، روش‌های صحیح مطالعه، نشر معاصر

که اطلاعات را در دسته‌هایی قرار دهیم تا آنها را آسانتر یادگیریم و راحت تر به یاد آوریم. گنجایش حافظه‌ی کوتاه مدت یا حافظه‌ی فعال محدود است و بنابراین نمی‌توانیم در یک زمان بر تعداد زیادی ماده‌ی یادگیری تمرکز کنیم. وقتی که ماده‌های متعدد یادگیری را دسته‌بندی می‌کنیم از بار حافظه‌ی فعال خود می‌کاهیم و قدرت تمرکزمان را بیشتر می‌کنیم. همین امر علت اصلی تسهیل یادگیری از راه دسته‌بندی اطلاعات است. در واقع ما از مقدار اطلاعاتی که می‌خواهیم یاد بگیریم، کم نمی‌کنیم بلکه از راه تقطیع تعداد ماده‌های اطلاعاتی را محدود می‌سازیم.

از روش‌های مفید دیگر در مطالعه توجه به تیترها و سرفصل‌ها، خط کشیدن زیر مطالب مهم و مختصر نویسی مطالب، یا خلاصه‌نویسی مطالب به بیان خود می‌باشد (فانوسی، ۱۳۷۲).

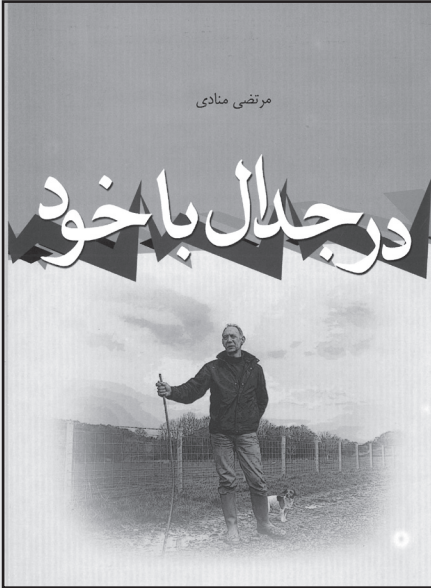
چکیده‌ی فصل پیش از مطالعه‌ی سراسر فصل، کارآمدی دارد (ریدر و آندرسون، ۱۹۸۰ به نقل از همان). حتی اگر نخواهید روش پس خبا را به طور کامل دنبال کنید، بهتر است از فواید «به خود پس دادن مطلب» و نیز مطالعه‌ی چکیده‌ی فصل پیش از خواندن مطالب فصل، غفلت نرورید (اتکینسون و همکاران، ۲۰۰۰).

سازماندهی و یادآوری (استفاده از درخت حافظه و آکولادبندی): همه دانشجویان و دانش‌آموزان در دوره‌ی دبیرستان معلم مطالب درسی را منظم، اصولی و شسته رفته تقسیم‌بندی می‌کرد و آنها مطالب را بهتر فهمیده و در هنگام یاد آوری امتحان و خواندن همان مطالب در منزل مشکلی نداشتند. حال اگر دانش آموزان و دانشجویان مطالب را با خلاقیت خود و به صورت ابداعی خودشان ترسیم کنند، کارآیی و عملکرد حافظه بهتری خواهند داشت. ساده‌ترین شکل سازماندهی اینست



مرتضی منادی

در جدال با خود



خلاصه و نقدی بر کتاب در جدال با خود

● ملک سیما تقی زاده قرقشه
(کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی)

می‌بینیم گرد پیری بر موهایمان نشسته است، بدون آنکه از خود و زندگی خود چیزی احساس کرده باشیم. گویا نویسنده از تمامی این تغییرات در شگفت است. به طوریکه بر جلد انتهایی این رمان نیز آن را خاطر نشان کرده است.

● به خوبی مکان‌ها و اشیاء توصیف و تفسیر شده‌اند اما آنچه که کمتر به آن توجه شده مشخص کردن دهه یا دوره‌ی زمانی است که شخصیت اصلی داستان در آن قرار دارد. یک خواننده‌ی ایرانی اگر ملیت نقش اصلی داستان را فردی ایرانی و مسلمان در نظر بگیرد، نمی‌تواند این رمان را به دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ (شمسی) منسوب بداند، زیرا داشتن سگ یا حیوانات دیگر برای مردم آنقدر عادی شده است که هیچ‌گونه تضاد و تناقضی در فرد ایجاد نمی‌کند. اگر نویسنده به دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ (شمسی) توجه دارد بیشتر از آنکه داشتن سگ برای فرد ایرانی مشکل ساز و مسأله‌آفرین باشد چگونگی برقراری ارتباط با دخترها و آزادی‌هایی که در کشورهای دیگر بین دخترها و پسرها وجود دارد برای فرد ایجاد تضاد و دوگانگی خواهد کرد.

دانشجوی دختر موانعی وجود دارد. در این داستان دانشجوی جدال بین آنچه که عقل می‌گوید و آنچه که احساس می‌خواهد، قرار گرفته است.

نقد

● داستان بسیار سلیس و روان و ساده نگاشته شده است، به خاطر این ویژگی است که به راحتی هر کسی در هر سنی آن را می‌خواند، و به خوبی آن را درک می‌کند. دارای ریتمی ملایم است و کمتر فراز و نشیبی در آن دیده می‌شود. نویسنده با تبحری بسیار، تمامی جزئیات را بیان می‌کند. نویسنده مانند نقاشی است که صحنه‌ی پیش روی خود را همچون تابلویی برای خواننده به تصویر می‌کشد و این باعث می‌شود که خواننده خود را به عنوان فرد ثالثی در آن مکان احساس کند.

● در جای جای این رمان می‌توان گذشت زمان را دید و احساس کرد. گذشت پی در پی شب و روز بدون آنکه آن را احساس کنیم. فرا رسیدن فصول و سال‌ها و طی کردن مراحل مختلف سنی از کودکی تا پیری. به یکباره چشم باز می‌کنیم و

کتاب "در جدال با خود" نوشته‌ی مرتضی منادی یک رمان علمی است. که شامل ۱۲۰ صفحه است. جزو داستان‌های فارسی سال ۱۳۹۰ به شمار آمده و به قیمت ۳۵۰۰۰ ریال در بازار موجود است. این کتاب علاوه بر پیشگفتار دارای ۱۱ فصل کشتی بادبانی، صدای پیرمرد، بلوز بافتنی، پالتوی پوست، ماریا، ویولون، کبوتر، مرگ یک دوست، معلم، دوراهی و نور امید است. نویسنده در پیشگفتار مباحث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و به خصوص نظریه‌ی تعامل نمادین و بورديو را بیان کرده است که مبنای نظری رمان مذکور می‌باشد. شخصیت اصلی کتاب، مرد دانشجویی است که برای ادامه تحصیل به یکی از کشورهای مسافرت کرده است. با شروع سال تحصیلی جدید او واحدی از یک آپارتمان را برای اجاره پیدا کرده و به آنجا نقل مکان می‌کند. علاوه بر او، افراد دیگری نیز در این آپارتمان ساکن هستند. کشف محیط جدید و شناخت این افراد و چگونگی برقراری ارتباط با آنان چند فصل این کتاب را شامل می‌شود. در دانشگاه او با دختری آشنا شده ولی در رابطه‌ی این دانشجو با



از محیطی که در آن زندگی می‌کنند، نیستند بلکه تحت تأثیر آن قرار گرفته و سعی می‌کنند خود را با آن هم‌رنگ کنند. همانطور که در پایان داستان نیز این به خوبی نشان داده شده است.

• گفتیم که نثر و زبان داستان روان است، خواناست و دلنشین. اما متأسفانه نویسنده در جای جای رمان - شاید با تکیه بر همین ویژگی مثبت - مرتکب اشتباه شده است. و این اشتباه، توضیح دادن‌های بیش از حد درباره برخی از رویدادها و ویژگی‌هاست، به طوری که باعث می‌شود خواننده احساس خستگی کند. مانند زمانی که مرد به زن و بچه کمک کرده و این مطلب را به طور کامل شرح داده ولی دوباره در انتهای فصل تمام مطالب را در نامه‌ای که برای مادرش می‌نویسد، تکرار می‌کند (فصل پالتو پوست) و یا اینکه در بعضی قسمتها حالت درس دادن پیدا می‌کند که نشان دهنده‌ی این است که احتمالاً نویسنده معلم است.

• در پایان باید بیان کرد که خوانندگان این رمان در هر شرایطی که هستند می‌توانند برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشند. خواننده‌ای که به نظریات روان‌شناسی توجه دارد می‌تواند آن را به گونه‌ای تفسیر کند که با خواننده‌ی دیگری که به ابعاد جامعه‌شناختی توجه دارد تفاوت داشته باشد و اگر آن را یک رمان عاشقانه در نظر بگیرند نیز برداشتی متفاوت خواهند داشت. دلیل آن را می‌توان استفاده از نظریات مختلف به شکل داستانی و مبهم بودن پایان آن دانست. با آنکه در دو - سه فصل پایانی نویسنده تمایل چندانی به طولانی‌تر کردن ماجرا ندارد و در پی آن است که داستان را زودتر به پایان برساند، اما این خواننده است که می‌تواند با توجه به برداشت خود پایانی متفاوت برای آن تصور کند.

مانند سگ این موارد را روا نمی‌داند، گویا تنها مشکل او برقراری ارتباط با سگ‌هاست. البته شاید منظور نویسنده از فصل "کبوتر" این است که بین برقراری ارتباط با حیوانات نیز به مانند هر چیزی باید پیش زمینه‌ای وجود داشته باشد. بدین معنی که برقراری ارتباط با کبوتر می‌تواند کانال و واسطه‌ای باشد برای اینکه فرد به ارتباط خود با دیگر حیوانات نیز بیاندهد و آمادگی لازم برای پذیرش آن را بدست آورد. حال این سوال مطرح است که چرا کبوتر؟ شاید چون کبوتر در بیشتر کشورها نماد صلح و آزادی است پس کمتر نسبت به آن احساس منفی وجود دارد.

• به نظراینجاناب می‌توان یک نگاه مذهبی نیز به این رمان داشت. اگر فرض را بر این بگیریم که نقش اصلی این رمان، مسلمان و ایرانی است می‌توان پاسخی برای این مسأله یافت. در دین اسلام سگ نجس است و نگهداری او در خانه با اشکالاتی همراه است ولی در مورد حیوانات دیگر این مسأله وجود ندارد. تضادی که در فرد ایجاد شده ناشی از بود یا نبود یک سگ در زندگی افراد نیست، بلکه تضادی است که بین دو فرهنگ وجود دارد. این فرد دچار تناقضاتی شده است نه به این دلیل که از نظر علمی سگ‌ها یکی از عواملی هستند که باعث به وجود آمدن بیماری‌های مختلف می‌شوند، بلکه مشکل در این است که فرد مدت‌ها در مکانی می‌زیسته و با آن بزرگ شده که سگ‌ها را حیوانات نجسی می‌دانند و آن‌ها را در خانه نگه نمی‌دارند. در حالی که او اکنون در مکانی زندگی می‌کند که این مسأله اصلاً مهم نبوده و این حیوان را به جای فرزند خود می‌داند. فرد با خود در ستیز است تا برای این مسأله راه حلی بیابد. در اینجا این نکته قابل ذکر است که افراد جدا

• خواننده با خواندن این کتاب متوجه‌ی دو بخش متفاوت در آن می‌شود که بخش اول از ابتدای داستان تا پایان فصل "پالتو پوست" است. این بخش بیشتر به تفسیر رویدادها می‌پردازد و کمتر به ویژگی‌های شخصیتی نقش اصلی داستان می‌پردازد. بخش دوم که از فصل "ماریا" آغاز می‌شود، در مقابل خواننده بخش جدیدی از شخصیت نقش اصلی داستان را نشان می‌دهد. بعد از این فصل فراز و نشیب‌ها آغاز می‌شود و خواننده تمایل بیشتری برای ادامه دادن و به پایان رساندن داستان دارد.

• بعد از خواندن فصل پالتو پوست که به زیبایی هر چه تمامتر نوشته شده است، احساس دوگانگی در خواننده ایجاد می‌شود. انسانهایی که ثروتمندند، بیشتر تمایل دارند برای خود همدم‌هایی فراهم کنند تا آنها را از تنهایی رها کند، درحالی که افراد فقیرتر بیشتر به فکر بزرگ کردن فرزندان خود هستند. در اینجا سوالات زیادی در ذهن خواننده ایجاد می‌شود؛ آیا هدف نویسنده آن است که فرزند و سگ را مترادف هم بدانند؟ آیا تمایل به داشتن فرزند در خانواده‌های کم درآمد بیشتر است؟ و آیا این کودک و مخارج اوست که باعث کم شدن درآمدهای خانواده شده و آنها را به سمت فقر سوق می‌دهد؟ و سوالات این چنینی بسیاری است که ذهن خواننده را درگیر می‌کند و متأسفانه با نیافتن پاسخ روشنی برای آنها، تأثیر و قدرت موضوع مورد بحث رمان را در ذهن وی کم‌رنگ می‌نماید.

• این فرد در دوستی با حیوانات هیچ مشکلی ندارد به این صورت که خود نیز با یک کبوتر دوست شده و از دست دادن آن برایش غم‌انگیز است، او برای آن کبوتر نام انتخاب کرده و او را دارای احساسات می‌داند، درحالی‌که برای حیوان دیگری



اشتباه بزرگ



هر دهه در آمریکا کتابی به نام "اشتباهات بزرگ" چاپ میشود.

از خاطرات رییس سازمان ناسا آمریکا که در این کتاب ثبت شده این است که: وقتی فضانوردان از جو زمین خارج میشدند، به علت نبود جاذبه قادر به نوشتن گزارش نبودند، زیرا جوهر خودکار یا خودنویس بر روی کاغذ اثری نمی گذاشت.

در سال ۱۹۶۸ رییس سازمان ناسا تصمیم گرفت این مشکل را حل کند و از تمام شرکتهای تجاری و پژوهشی دعوت به همکاری کرد. سرانجام پس از ۸/۵ ماه زمان و حدود ۱۱ میلیون دلار سرمایه گذاری یک شرکت پژوهشی موفق شد قلمی را بسازد که در تمامی شرایط جوی از قبیل زیرآب، در فضا، در سرمای شدید، و گرمای شدید، و به بیان دیگر در تمامی شرایط قابل استفاده باشد.

زمانی که این محصول در جشنی رونمایی شد، تلگرافی از طرف سازمان فضایی روسیه به دست ناسا رسید با این متن: "کار بسیار خنده داری انجام داده اید. ما چندین سال است برای ثبت اطلاعات در فضا از مداد استفاده می کنیم. تمام"

به گفته رییس وقت ناسا بعد از رسیدن این تلگراف ۴ ماه دفتر پژوهشی سازمان تعطیل شد.

می بینیم که "برای یک مشکل امکان دارد راه حل بسیار ساده تری هم وجود داشته باشد، فقط کافیست نوع دیگری به مشکل نگاه کنیم"

**"برای یک
مشکل امکان دارد
راه حل بسیار
ساده تری هم
وجود داشته باشد،
فقط کافیست نوع
دیگری به مشکل
نگاه کنیم"**



چگونه کودکانمان را با نماز مانوس کنیم؟

ندا صبوری
دانشجوی کارشناسی ارشد
روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهراء

چکیده

در طول زندگی انسان، هیچ یک از نهادها، سازمان‌ها و عوامل اثرگذار بر انسان، نمی‌توانند با خانواده و اثرگذاری آن بر کودک (انسان) برای برابری کنند. والدین به اندازه قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود می‌توانند محصول با ارزشی از جهات مختلف به خصوص رشد دینی، تربیتی و اعتقادی به یادگار بگذارند. خداوند در قرآن به پاس این ارزش و اهمیت، حقوق والدین را در کنار توحید و خداشناسی قرار داده است. از آنجایی که روح پرستش از همان ابتدای خلقت انسان در نهاد او جای گرفت، انسان همواره به دنبال پناهگاه مطمئنی بود تا بتواند به معبود خویش دست یابد. روح او خدا را جستجو کرد و در حال نماز خواندن، پی به خدا برد.

کلید واژگان: کودک و نماز - اعتقادات و خانواده - تقلید و تشویق - تربیت اخلاقی - همسر شایسته - کودکان متدین

مقدمه

در تربیت اخلاقی، تربیت دینی از جایگاه رفیعی برخوردار است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که تربیت دینی توسط خانواده‌ها نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی دارد. همچنین پژوهش‌ها موید این مطلب است که مذهب می‌تواند خویشتن‌داری را که عنصر اساسی در تربیت است افزایش دهد و در این میان خانواده می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عنصر تربیت دینی تلقی شود.

خانواده و اهمیت آن در دوره کودکی

نوزاد در خانواده به دنیا می‌آید و اولین تعاملات خودبا توجه به ارزش و قداست

خانواده در می‌یابیم که: خانه، اولین مدرسه تربیت اخلاقی و دینی است و کودک به تدریج بر اساس مشاهدات روزمره، پایه‌های اخلاقی خود را پی‌ریزی می‌کند. در محیط خانه کودک تعالیم خوب و بد را فرا گرفته و زیربنای اخلاقی او شکل می‌گیرد. کودک مثال نهال تازه‌ای است که هر طور او را پرورش دهیم، رشد می‌کند و نیز آنچه را که بطور منظم در محیط خانه می‌بیند، نسبت به آن انس پیدا می‌کند. مشاهده آداب دینی و عبادات مذهبی بویژه نماز که در شبانه‌روز بطور منظم از طرف بزرگترها در محیط خانه رخ می‌دهد، در ذهن و روان کودک نقش می‌بندد. با توجه به حس تقلید کودک، مشاهده می‌شود که او با شروع سال دوم زندگی، از حرکات والدین تقلید می‌کند. اگر انجام این حرکات با نوازش و تشویق والدین همراه باشد، بر رغبت کودکان می‌افزاید. وقتی مادر چادر نماز بر سر



روز عاشورا در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن هم نماز را رها نکرد.

چگونه کودکانی متدین تربیت کنیم؟
خانواده در تفکر اسلامی، جایگاه بسیار رفیعی دارد. برخی امور در خانواده مهم و بعضی اهم‌اند؛ اما اموری است که با واژه اهم نیز نمی‌توان جایگاه آن را معلوم کرد که از جمله این امور تربیت دینی است. تربیت دینی قبل از عوامل دیگر از درون خانواده ریشه می‌گیرد و از طریق تاثیر گذاری خانواده تکوین می‌یابد. صفاتی که بویژه به وسیله مادر به فرزند منتقل می‌شود، اکتسابات بعدی او را در زندگی جهت می‌دهد، در واقع بخش سخن بر ذات و تکوین و نوع رحمی است که کودک در آن شکل پیدا کرده است. آغاز خلقت انسان که در کره زمین با خانواده شروع شده، در واقع نشانگر این است که خانواده رکن عالم هستی بوده و خانواده است که به کل هستی جهت می‌دهد (سوره اسراء، آیه ۲۴).

با توجه به ارزش و قداست خانواده در می‌یابیم که خانه اولین مدرسه تربیت اخلاقی و دینی است و کودک به تدریج بر اساس مشاهدات روزمره، پایه‌های اخلاقی خود را پی‌ریزی می‌کند. در محیط خانه کودک تعالیم خوب و بد را فرا گرفته و به این ترتیب زیر بنای اخلاقی او شکل می‌گیرد. کودک همانند نهال تازه‌ای است که هر طور او را پرورش دهیم، همان گونه رشد می‌یابد (سادات ۱۳۸۲/ خانه، پرورشگاه اطفال است؛ بنابراین اگر والدین و سایر اعضای خانواده دارای روش صحیح و اخلاق نیک باشند، کودکان خوب و به دنبال فعال تربیت شده و به جامعه تحویل داده می‌شود و بالعکس. لازم به ذکر است که اسلام پدران و مادران را در امر تربیت دینی و اخلاقی فرزندان خویش مسئول

کودک وقتی پدر در حال نماز خواندن است، به تقلید از او افعال نماز را انجام می‌دهد، پدر بعد از اتمام نماز، باید با ارائه یک هدیه به کودک، سبب تقویت رفتار «نماز» در کودک شود

صورت گیرد، کودک از همان سنین اولیه، تقلید اعمال دینی بویژه نماز را در رفتار پدر و مادر جویا می‌شود. برخی از کودکان در سنین ۲ الی ۳ سالگی و برخی از ۴ سالگی این حس را بروز می‌دهند. البته در ۶ سالگی به عینیت می‌توان آن را مشاهده کرد.

زمان آغاز نماز در کودکان

زمان آغاز نماز خود سخنی جداگانه است. در خاندان اهل بیت (ع) کودکان از ۵ سالگی نماز می‌خواندند؛ اما در افراد عادی کودکان باید از سنین ۷ سالگی به خواندن نماز پردازند. علت آن هم این است که کودکان تا سن ۷ سالگی باید بازی کنند. بنابراین خانواده‌ها باید سعی بر آن داشته باشند که از همان اوان کودکی فرزندان‌شان را با نماز آشنا سازند؛ زیرا سعادت و خوشبختی آنان مهم‌تر از هر چیز، در خواندن نماز و عمل به دستورات آن است و به این آیه شریفه قرآن تمسک جوییم که: "ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر". و بدین ترتیب آینده فرزندان بیمه خواهد شد.

اهمیت نماز و جایگاه آن در رفتار اولیاء خدا

حضرت عیسی (ع) در گهواره فرمودند: خداوند مرا تا زنده هستم، به نماز و زکات سفارش کرده است (سوره مریم، آیه ۳۱) - امام حسین (ع) حتی در ظهر

می‌گذارد و به نماز می‌ایستد، دختر ۴ ساله دوان دوان به سراغ چادر یا روسری خود رفته و آن را بر سر می‌کشد و مانند مادرش به رکوع و سجود می‌رود. اگر مادر پس از اتمام نماز یک شکلات یا هدیه به کودک دهد، سبب تقویت روحیه نماز خواندن در کودک می‌شود. وقتی کودک بزرگتر می‌شود، از رفتن به کلاس‌های مذهبی‌ای که بصورت قصه و زبان ساده دین را توضیح دهد، استقبال می‌کند. بنابراین به والدین توصیه می‌شود زندگی انبیاء و داستان‌هایی در مورد نماز را برای کودک خود بازگو کنند. قرآن می‌فرماید: "ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر". "نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد" (سوره عنکبوت، آیه ۴۵) نماز به قدری فضیلت دارد که حتی زمانی که پیامبر (ص) صاحب کوثر شد، برای تشکر و قدردانی از خداوند متعال، راهی را جهت شکرگزاری از او طلبید. خداوند فرمود: نخست نماز بخوان و بعد از آن قربانی کن و به مستمندان ده.

جنبه‌های تربیتی نماز

بخشی است که تاثیرات قابل مشاهده نماز را بیان می‌کنند. این تاثیرات عبارتند از: تهذیب اخلاق و روح خوش‌بینی. اعمال مذکور در شبانه‌روز باعث بروز حالات معنوی در انسان نمازگزار می‌گردند. در مورد اینکه چگونه کودک به نماز علاقه و گرایش داشته باشد و آن را انجام دهد، می‌بایست از ابتدای حیات کودک دقت لازم صورت گیرد.

انتخاب همسر شایسته = داشتن فرزندی شایسته

نوع انتخاب همسر نیز خود می‌تواند در زمان شکل‌گیری فرزند، نقش مهمی داشته باشد؛ چراکه کودک بیشترین ساعات خود را در خانه و با مادر سپری می‌کند. وقتی که این قضیه با دقت



نماز که امروزه روشی را می‌طلبد که در خور سن و سال کودک باشد.

آموزش نماز با شیوه‌های روانشناسی تربیتی: از نظرگاه علم روانشناسی، می‌توان با استفاده از روش‌های تقلید، تقویت، تشویق و یادگیری ضمنی و مشاهده‌ای و ارائه الگوها، آداب و تکالیف مربوط به فریضه مقدس «نماز» را به کودک آموخت.

تقلید: نظریه پردازان معاصر می‌گویند، تقلید پدیده ایست همگانی و مربوط به هر سنی. توانایی ایست که در ذات نوع بشر وجود دارد و یکی از عوامل موثر در رشد ذهنی نوع انسان، توانایی او در تقلید از دیگران است؛ زیرا تقلید، راه موثری برای یادگیری اعمال جدید است و کودکان بیشتر از سرمشق‌ها یا رفتارهای دیگران تقلید می‌کنند. کودکان مایلند از عملی تقلید نمایند که مورد تأیید همه باشد. همین کودک وقتی وارد سومین سن زندگانی خود می‌شود، به جای تقلید از اعمال خاص، از اشخاص خاص تقلید می‌کند. وقتی مادر چادر نماز بر سر می‌گذارد و به نماز می‌ایستد، دختر بچه پنج ساله دوان دوان به سراغ چادر یا روسری خود رفته و آن را بر کشیده و مثل مادرش به رکوع و سجود می‌رود.

اصل تقویت: ^۲ مقصود از تقویت، ارائه تقویت کننده بلافاصله بعد از رفتار است. تقویت کننده‌ها عواملی هستند که برای موجود زنده خوشایندند و همین خوشایندی موجب تکرار عمل برای دریافت آن می‌شود. در دوره کودکی اول (۳ تا ۷ سالگی)، کودک وقتی پدر در حال نماز خواندن است، به تقلید از او افعال نماز را انجام می‌دهد، پدر بعد از اتمام نماز، باید با ارائه یک هدیه به کودک، سبب تقویت رفتار «نماز»

اولین کسی که با او ارتباط مستمر برقرار می‌کند، مادر و سپس پدر و سایر اعضای خانواده‌اند. نوع اعتقادات و ملاک و معیارهای اخلاقی، خلقی و دینی از والدین به کودک منتقل می‌گردد. کودک نظرات دینی و اعتقادی خانواده‌اش را می‌پذیرد. ایمان دوره کودکی با همه پاکی و صفایش این نقیصه را دارد که از آگاهی قوام با تجزیه و تحلیل، سرچشمه نگرفته است؛ بلکه بیشتر جنبه انفعال و تأثیرپذیری از محیط را دارد و در حقیقت نوعی بازتاب است. با این وجود، تکوین و پیدایش اعتقادات و توأم آن، بستگی به نوع بینش و جهان‌بینی‌ای دارد که در خانواده حاکم است. سنگ بنای اولیه ایجاد رغبت و انگیزه در گرایش کودک به اعتقادات و متصف شدن وی به مناسبات و ملاک اخلاقی، از نام و نام‌گذاری آغاز و در طول فرآیند رشد با تقلید، تقویت و با تشویق استمرار یافته و از مرحله نوجوانی به بعد براساس عقل و تفکر در عمق وجود فرد قوام می‌یابد. والدین باید برای فرزندان خود در راه سکونت، نامی نیکو انتخاب کنند.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: وظیفه پدر نسبت به فرزندش آن است که او را نیکو نام گذارد و به نیکوی تربیت کند و به کاری شایسته بگمارد. توانایی کودک است و برایش مسیر است، از او بپذیرد و آنچه انجام دادنش برای کودک دشوار و طاقت فرساست، از او نخواهید و او را به گناه و طغیان و کارهای احمقانه وادار نکنید. نتیجه اینکه انتقال ارزش‌ها و مفاهیم اعتقادی و مذهبی به کودک، سبک و سیاق مخصوص به خود را می‌طلبد. به عنوان نمونه نمی‌توان در اثبات وجود خدا برای کودک ۱۰ ساله، اصل علیت (برهان استدلالی) را ارائه نمود؛ زیرا او هنوز به مرحله هوش انتزاعی نرسیده تا بتواند درک نماید و همچنین انجام فرایض مذهبی از جمله

می‌داند. تربیت دینی کودک در دوران قبل از دبستان، محدود به ایجاد انس به مسائل دینی است. به این معنا که کودک آنچه به طور منظم در محیط خانواده می‌بیند، نسبت به آن انس پیدا می‌کند و همین انس اولیه، زمینه را برای پدید آمدن عادت و انجام فرایض دینی در مراحل بعدی فراهم می‌آورد. مشاهده آداب دینی و عبادات مذهبی بویژه نماز که در هر شبانه‌روز به طور منظم از طرف بزرگترها در محیط خانه انجام می‌شود، در ذهن و روان کودک نقش می‌بندد و با توجه به حس تقلید در او، مشاهده می‌شود که کودک از سال دوم زندگی از حرکات والدین تقلید می‌کند. اگر انجام این حرکات با نوازش و تشویق والدین همراه باشد، بر رغبت کودک می‌افزاید. همین تأثیرات روحی و خاطرات شیرین است که در آینده کودک و جهت‌گیری بعدی او بسیار مؤثر خواهد بود. نکته قابل تأکید در اینجا این است که بنا به علایق دینی خود والدین، آنها نباید فرزندانشان را به زیاده‌خواهی در این زمینه وا دارند. این یک روش صحیح نیست. بلکه باید زمینه انجام داوطلبانه برخی آداب دینی را برای فرزندان خود فراهم کنند. احساسات مذهبی یکی از عمیق‌ترین گرایش‌های فطری در انسان است که اگر زمینه شکوفایی دینی را با دلایل ساده‌ای که برای فرزند قابل فهم باشد فراهم کنیم، قانع و راضی می‌شود. هرگز نباید ذهن او را با استدلال‌هایی که فراتر از درک ذهنی او هستند آشفته ساخت؛ زیرا ظرفیت ذهنی کودک از طریق ارائه دلایل مورد قبولش، جهان بینی او را شکل داده و بینش دینی او را هدایت می‌کند.

نقش خانواده در گرایش کودکان و نوجوانان به نماز

کودک در خانه به دنیا می‌آید و

1. Imitation
2. Reinforcement

در کودک شود. لازم به یادآوری است که تقویت از نوع سهمی و آن هم نسبتی متغیر داشته باشد. بدین معنا که یک مرتبه پس از دو وعده نماز و بار دیگر بعد از پنج وعده نماز به او هدیه دهد و بار دیگر بعد از ده وعده نماز این کار را تکرار کند. مطلب مهم این که والدین برای تثبیت رفتار کودک «نماز»، باید هدایایی را برای او تهیه نمایند که مورد علاقه اش باشند.

اصل پریماک:^۳ در برنامه تقویت، توجه به اصل پریماک نیز می تواند موثر باشد. بدین صورت که هر فعالیتی که جاندار انجام می دهد، می تواند فعالیتی را که معمولاً کمتر از او سر می زند را تقویت کند. با فراهم آوردن فرصتی برای بازی پس از تکمیل تکالیف نوشتنی، می توان توانایی نوشتن را در دانش آموزان افزایش داد. این اصل حتی در کودکان سه ساله کودکستانی نیز موفقیت آمیز بوده است. با توجه به اصل پریماک، برای جذب کودک به نماز، ابتدا باید علاقه مندی او را به چیزی کشف نمود و وقت معینی را برای آن تدارک دید، و سعی شود زمان آن نزدیک به وقت نماز باشد. وقتی کودک آن چیز مورد علاقه اش را از مادر طلب نمود، وی با ملاحظت و مهربانی بگوید که بعد از نماز هر چقدر که بخواهی می توانی با آن بازی کنی و بعد از نماز مادر باید به وعده خود عمل کند تا کودک درک کند که پس از انجام یک رفتار مطلوب و پسندیده «نماز»، می تواند به طور مثال بازی دلخواهش را انجام دهد. نکته درخور توجه این است که توسل به این اصل روانشناسی در جهت نیرومند ساختن رفتار «نماز»، با توجه به اینکه کودک هنوز به سن تکلیف نرسیده، نباید با اجبار، زور و یا تهدید باشد. کودک باید محبت، ملاحظت و نرمخویی والدین را کاملاً حس نماید.

3. Primack

داستان پردازی: یکی از مراحل رشد و تکامل دینی در کودک که می توان از طریق آن الگوهای مذهبی را ارائه نمود، داستان گویی می باشد. به نظر در پنج سالگی کودک از رفتن به کلاس های مذهبی ای که به صورت قصه و زبان ساده دین را توضیح دهد، خوشش می آید و دوست دارد والدین برایش کتاب بخوانند. به والدین توصیه می شود که زندگانی انبیائی را که در قرآن آمده است همچون حضرات ابراهیم و یوسف و ... علیهم السلام را انتخاب کرده و برای کودک خود بخوانند.

بیداری برای نماز صبح: ایمان در تقویت اراده فرد نقش مهمی دارد. مؤمن همین که موقع اذان صبح می شود، بدون استفاده از ساعت شماطه ای یا اینکه کسی او را از خواب بیدار کند، بر می خیزد. طی تحقیقی که محققان آلمانی انجام دادند، اراده انسان مهم ترین عامل بیدار شدن به موقع می باشد. پژوهشکان دانشگاه (لویک) آلمان این راز را که چگونه انسان سر ساعت معین از خواب بیدار می شود، را کشف کردند. نتیجه آزمایش ها نشان داد: حدود یک ساعت قبل از ساعت مشخص بیداری، هورمون های (آدرنوکورتروفه) ترشح شده از هیپوفیز در خون افزایش می یابد و با این ترشح جسم خود را برای بیدار شدن دقیق در ساعت دلخواه آماده می کند. نتایج بدست آمده نشان می دهد که اراده بشر حتی در موقع خواب می تواند انسان را بطور هدفمند هدایت نماید. گاهی والدین در هنگام نماز صبح با مشکل دیر برخاستن کودک خود مواجه می شوند. هرگز نباید با تندخویی و پرخاشگری فرزند را از خواب بیدار نمود. روش مطلوب برای بیدار کردن، استفاده از ساعت شماطه دار است. در حدود ۱۵ الی ۲۰ دقیقه قبل از اذان، زنگ ساعت به صدا در می آید. بعد از زنگ ساعت باید پدر یا مادر به سراغ فرزند بروند و

با نوازش و ابراز محبت بگویند: وقت اذان است. هنوز وقت داری، می توانی چند لحظه دیگر بخوابی و بعد بلند شوی و نمازت را بخوانی. قابل توجه است که این روش در هنگام مدرسه رفتن نیز مفید و کارساز است. یعنی برای کودکانی که دیر از خواب بیدار می شوند و با تأخیر به مدرسه می رسند، بسیار مناسب است.

گرایش به نماز از طریق نماز جماعت: وقتی کودک خردسال براساس تقلید و الگوبرداری از والدین و دیگران، خود به رکوع و سجده می رود و حرکات و افعال نماز را انجام می دهد و بر اثر تقویت و تشویق، میل و گرایش به نماز در او نیرومند می شود، می توان اقامه نماز به صورت جماعت را در او قوت بخشید. والدینی که اهل عبادت و نماز هستند، می توانند مواقعی که اقوام دور هم جمع شده اند، نماز را به جماعت در خانه برگزار نمایند و با خوشرویی فرزندان خود را به نماز فراخوانند. به تدریج این فریضه را می توان از منزل به مسجد محل کشانید. برای این کار پدر باید نزدیکی های اذان مغرب، فرزند خود را به پارک ببرد و همین که صدای اذان به گوش رسید، با مهربانی و عطف رفتن به مسجد را به فرزند پیشنهاد نماید. اگر تمایلی از خود نشان نداد، می توان از روش «مدل سازی»^۴ استفاده نمود که در روانشناسی کاربردی موثر دارد. یعنی اینکه پدر، کودک دیگری را «که ممکن است پسر همسایه یا هم محلی باشد» که با لبی خندان به همراه پدرش به مسجد می رود را به کودکش نشان دهد و حتی زمینه دوستی آنها را نیز فراهم سازد. در این راستا، هماگی با امام جماعت مسجد محل نیز روش پسندیده دیگری است که ایشان می تواند با خوشرویی و با دادن یک هدیه مثل شکلات از او استقبال نماید.

4. Modeling



شیوه‌های آشناسازی و تقید کودکان به نماز

شرطی شدن پاسخ: اگر مراسم مذهبی با وقایع خوشایندی همراه شود، کودک خود به خود به آنها علاقه پیدا می‌کند. شرطی شدن عاملی: اگر نماز خواندن کودک همراه با پاداش باشد، استمرار و تقویت آن بیشتر خواهد بود.

طرح سؤال و معما: رسانیدن کودک به درک و ضرورت استدلال و مجهز شدن به منطقی سؤال ابراهیم گونه، تأثیر مهمی در علاقه‌مندی کودک به نماز خواهد داشت. دوری از جبر و تحمیل: باید آموزش‌های نماز را با توجه به آمادگی کودک انجام داد. اگر این آمادگی روحی و عاطفی میسر نشده باشد، به ناچار از جبر و تحمیل استفاده می‌شود که این قضیه باعث دلزدگی کودک از نماز می‌شود. تا قبل از سن لازم برای تعلیم نماز که در احادیث ۷ سالگی می‌باشد، نباید کودکان را مجبور به یادگیری نمود.

درونی کردن ارزش‌ها با پند و اندرز: در این قسمت باید توجه نمود که از گفتار مستقیم و الفاظ صریح باید پرهیز نمود؛ برای اینکه تأثیر پند و اندرز عمیق‌تر گردد، بهتر است نصایح ما با عمل توأم شود.

تعظیم و تکریم نماز: اگر خانواده و مربیان به نماز اهمیت دهند، ارزش آن در نظر کودک بیشتر می‌شود. پس خانه و مدرسه باید با نگاهی شکوهمندانه به نماز، آن را تکریم نمایند.

بیان قصه‌ها و نمایش خاطره‌های زیبا در ارتباط با نماز: قصه، شعر و نمایش می‌تواند با توجه به نوعی جذبه و کشش که در آن دیده می‌شود، کودکان را به سمت نماز جذب نمایند. کودکان همیشه دوست دارند همه مسائل را مستقیماً نفهمند؛ پس از راه داستان، شعر و نمایش می‌توان به راحتی کودکان را به نماز خواندن واداشت.

توجه به توانمندی‌های کودکان و

نوجوانان در اقامه نماز: رسیدن به مرحله رشد اولیه و لازم، می‌طلبد که اصول نماز به کودک گفته شود؛ اما در این میان باید قدرت تحمل کودک و توان او را در نظر گرفت. اگر نماز را پیش او بد جلوه دهیم، یعنی بیش از توان او بخواهیم که به عبادت بپردازد، این تفکر در کودک ایجاد می‌شود که نماز کار سختی است.

ارائه الگوی مناسب: کودکان از همان سنین اولیه، کار الگوسازی را انجام می‌دهند. والدین و مربیان باید مواظب رفتار خود باشند و سعی کنند در کنار خواندن نماز، با داشتن خصلت‌های نیکویی چون ایثار، گذشت، محبت و ... آگاهی لازم را به کودکان انتقال دهند.

نقش خانواده: خانواده به عنوان جایگاه زیست اولیه کودک، مهمترین نقش را در تربیت کودک دارد. آمادگی کودک نیز از محیط خانواده آغاز می‌شود. اگر خانواده به امری چون: معطر کردن لباس، استفاده از لباس پاکیزه در هنگام نماز، برپایی جماعت در خانه، اختصاص دادن مکانی به عنوان مکان نماز در خانه، اذان گفتن یکی از اعضای خانواده، بردن کودکان مخصوصاً در اعیاد مذهبی به مساجد و اماکن مربوطه، برگزاری نماز جماعت با مهمانان در خانه، بازی و سرگرمی ضمن آموزش دادن و هدیه دادن، برگزاری جشن تکلیف و اهتمام فرزند، انتقال فرهنگ نماز را به کودک در مسیر راحتی قرار خواهد داد.

برگزاری جشن تکلیف در خانواده: باید در خانواده‌ها همانطور که به جشن تولد کودک اهمیت می‌دهند، به جشن تکلیف او نیز اهمیت دهند. جشن تکلیف می‌تواند خاطره خوشایندی از نماز در ذهن کودک ایجاد کند. خداوند یکی از ایام‌الله را روز به تکلیف رسیدن کودکان می‌داند.

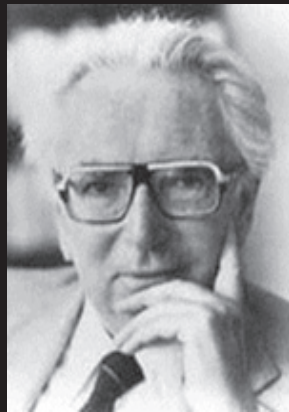
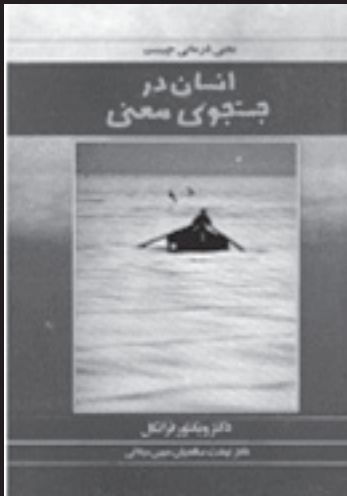
نتیجه‌گیری

کودکان امانت‌های الهی هستند

که در دست والدین خود قرار دارند. پس برای حفاظت از آنها از فسادها و انحرافات فردی و اجتماعی، باید آنان را به دستاویزی محکم متصل نمود. اعمال عبادی باعث می‌شوند که کودک در برقراری روابط اجتماعی نیز موفق باشد. اگر نماز را به خوبی در وجود کودک رشد دهیم، حالات مذهبی در او پایدار می‌شوند. همان طور که می‌دانیم، ابتدا با تقلید، نماز را می‌آموزد؛ اما هر چه بالاتر می‌رود، این حالات مذهبی در او ملکه شده و گاهی ترک آن موجب اندوه کودک می‌شود. رفتارهای عبادی باعث می‌شوند تا روح کودک قانع شود و از انجام نماز به لذت روحی خاصی برسد. این لذت ممکن است گاهی اوقات با دیدن نماز دیگران نیز بروز کند؛ چراکه امام حسین(ع) بارها و بارها از عبادات مادر خود لذت می‌برد و اگر از همان دوران طفولیت کودک شروع به خواندن نماز نماید، این فریضه در وی ملکه می‌گردد و تا آخر عمر به ادای این فریضه ادامه خواهد داد و بیمه او در تمامی عمر از فحشاء و منکر خواهد بود.

منابع و ماخذ

۱. قرآن مجید.
۲. تفسیر نمونه مکارم شیرازی.
۳. بحار الانوار علامه مجلسی.
۴. محسن قرائتی (۱۳۸۳)، پرتوی از اسرار نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز.
۵. باقر خسروی (۱۳۷۰)، نگاهی دوباره بهتر، انتشارات مدرسه.
۶. دکتر علی قائمی (۱۳۸۸)، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، انتشارات امیری.
۷. دکتر بنیامین اسپاک (۱۳۹۰)، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه دکتر منوچهر مهدوی، تهران، انتشارات طلوع.
۸. زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد، (جلد ۱) ترجمه حسن رفیعی.
۹. محمدعلی سادات (۱۳۸۲)، رفتار والدین با فرزندان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.



معرفی کتاب

کسی باید باشم. در ارتباط با مفهوم بودن برای او سؤال انسان بودن مطرح شد. او معتقد بود که انسان بودن یعنی مسئول بودن، تصمیم گیرنده، موضع گیرنده و ارزشیابی کننده بودن!

از ابتدا مفاهیمی چون: زندگی، روح و معنا ذهن ویکتور فرانکل را به خود مشغول کرد. به عقیده او ما انسانها سؤال کننده نیستیم، جواب دهنده هستیم. ما باید به سؤال هایی که زندگی از ما می کند با آزادی و احساس مسئولیت کامل جواب دهیم. در انتخاب جوابی که انسان به سرنوشت خود می دهد و انتخاب نگرشی که در مقابل سرنوشت خود بر می گزیند، آزاد است. نتیجتاً مسئول جوابی است که به سرنوشت می دهد و مسئول شیوه تفکر ونگرشی است که انتخاب می کند. انسان باید پاسخی بدهد که در شان انسان است. فرانکل در سپتامبر ۱۹۹۷ در سن ۹۲ سالگی در وین درگذشت.

بنابر اصول لوگوتراپی، تلاش برای یافتن معنی در زندگی اساسی ترین نیروی محرکه هر فرد در دوران زندگی اوست.

«انسان در جستجوی معنی» نوشته ویکتور فرانکل ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی است. این کتاب با عنوان Man's Search for Meaning نخستین بار در سال ۱۹۴۶ در وین اتریش و سپس در سال ۱۹۵۹ در آمریکا منتشر شد. این کتاب دارای دو بخش اصلی است. بخش اول با عنوان «تجاریبی از اردوگاه کار اجباری» شرح حالی از درون اردوگاه های کار اجباری است که خود نویسنده آن ها لمس کرده و دیده است. بخش دوم به معرفی لوگوتراپی (Logotherapy) معنا درمانی می پردازد. در این بخش مفاهیمی مانند معناجویی، پویایی اندیشه ای، خلا وجودی، جوهر وجود، معنای رنج و... به صورت خلاصه معرفی شده و انعکاسی از مفاهیم اساسی لوگوتراپی را ارائه می دهد. در آخر نیز بخشی با عنوان پس گفتار وجود دارد که توسط نهضت صالحیان درباره ویکتور فرانکل و معنا درمانی نوشته شده است.

درباره ویکتور امیل فرانکل

ویکتور فرانکل در ۱۹۰۵ در وین به دنیا آمد. او در ۱۹۴۹ از دو دانشگاه وین و آدیتشنالی موفق به گرفتن درجه دکترای اعصاب و روان شد. در ضمن او از ۱۲۰ دانشگاه در سراسر جهان دکترای افتخاری گرفت.

فرانکل به علت یهودی بودن در سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ به وسیله نازی ها ابتدا در آشویتس و سپس در داخائو زندانی شد. تجارب او در این اردوگاه ها موجب شد مکتب جدیدی را در روانشناسی بنیان گذاری کند که معنا درمانی یا لوگوتراپی نامیده می شود. خاستگاه لغوی معنا درمانی یا لوگوتراپی به واژه یونانی لوگوس باز می گردد. لوگوس به معنای واژه یا کلمه، اراده پروردگار یا معناست. اما راساترین معادل آن معنا می باشد (logo=meaning). بر این اساس و بنا به گفته ویکتور فرانکل معنا درمانی عبارت است از: «درمان از رهگذر معنا یا شفا بخشی از رهگذر معنا» یا «روان درمانی متمرکز بر معنا».

در اردوگاه که همه چیز را از او گرفته بودند، این شیوه تفکر در فرانکل بوجود آمد که می گفت: مهم آن نیست که من چه می خواهم باشم، مهم آن است که من چه